Archive of SID.ir

Journal of Public Administration

Print ISSN: 2008-5877
Online ISSN: 2423-5342

A Behavioral Approach to the Role of Stakeholders in the Corporate Governance Model of the Social Security Organization of Iran and its Affiliated Companies

Sepahdar Ansarinik
PhD Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: ansarinik@gmail.com

Seyed Jamaledin Tabibi *
*Corresponding Author, Prof., Department of Public Administration, Faculty of Medical Sciences and Technologies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sjtabibi@yahoo.com

Abstract

Objective
The purpose of this research is to explain the role of stakeholders in the corporate governance model of the Social Security Organization of Iran and its affiliated companies with a behavioral approach.

Methods
The presentation of the model was done based on a mixed method with a quantitative and qualitative approach and based on the method of the theory of the foundation. In the qualitative phase, 15 interviews were conducted with management experts and policy makers in companies affiliated to the Social Security Organization until theoretical saturation.

Results
In general, 6 stakeholder groups of corporate governance in companies affiliated to the Social Security Organization were identified as sub-categories and central phenomena, which are: 1) Institutional stakeholders, 2) Government, 3) Political stakeholders, 4) Network social, 5) economic stakeholders and 6) shareholders. The results showed that in the

Citation: Ansarinik, Sepahdar & Tabibi, Seyed Jamaledin (2025). A Behavioral Approach to the Role of Stakeholders in the Corporate Governance Model of the Social Security Organization of Iran and its Affiliated Companies. *Journal of Public Administration*, 17(1), 221- 256. (*in Persian*)

Journal of Public Administration, 2025, Vol. 17, No.1, pp. 221- 256
Published by University of Tehran, Faculty of Management
https://doi.org/10.22059/JIPA.2024.385839.3608
Article Type: Research Paper
© Authors

Received: September 24, 2024
Received in revised form: December 17, 2024
Accepted: December 30, 2024
Published online: February 19, 2025

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

stakeholder groups of the corporate governance of the studied companies, the factors of power-politics relations, the decision-making process, political bargaining, conflict resolution, setting goals, building trust in the board of directors, common behavioral indicators between the stakeholder groups as core codes. they explain While shareholders, increasing wealth and individual interests; Institutional stakeholders, agency cost reduction goals and information asymmetry; The government, the objectives of the development program and macro policy; Economic stakeholders, the goals of increasing wealth, growth and competitiveness; political stakeholders, coalition goals, increased influence and political power; And social networks also pursue the goals of public interest, building social trust and access to resources specifically.

Conclusion

Limitations in the application of quantitative statistical methods such as structural equations in articles and sources with a behavioral approach, or topics related to the behavior of groups and stakeholders, which were rarely found in scientific sources. According to the results of the research, economic, social, legal and managerial conditions were the causal conditions that had a direct effect with a coefficient of 0.834 on the behavioral pattern of the beneficiaries. It was also observed that the behavioral indicators of the stakeholder groups in the studied organization and the background factors of the stakeholders' behavioral patterns, including environmental uncertainty, national culture, control mechanisms and organizational complexity, showed an inverse effect (with a ratio of -0.616) on the strategies for improving the corporate governance model. On the other hand, the results show that the relationship between influencing the behavior of beneficiaries and improvement strategies is (-0.351) and therefore the behavioral outcome The stakeholders in these companies have not been in line with the strategies for improving corporate governance. This concept is one of the important findings of this research, which shows the need to review the relationship regulation and the complex role of stakeholders in the social security organization and its affiliated companies to have a positive effect on corporate governance improvement strategies. The results showed that controlling the conflict between stakeholders' interests through monitoring, value monitoring, integration of interests, accountability and transparency can create strategic alignment between stakeholder groups and, as a result, positive outcomes such as positive performance results, value creation, rational decision making. and sustainability for the organization. The innovative aspect of this research is that it addressed the issue of decision-making and its interactions with the stakeholders of the organization by using the mixed research method and tried to design and present a model for these interactions.

Keywords: Corporate governance, stakeholders, Behavioral pattern, Iran Social Security Organization.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مدیریت دولتی
شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۵۸۷۷
شاپا الکترونیکی: ۲۴۲۳-۵۳۴۲

رویکردی رفتاری به نقش ذی‌نفعان درالگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته

سپهدار انصاری نیک

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکدهٔ مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ansarinik@gmail.com

سید جمال‌الدین طبیبی*

* نویسنده مسئول، استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکدهٔ علوم و فناوری‌های پزشکی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sjtabibi@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف از اجرای این پژوهش، تبیین نقش ذی‌نفعان در الگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته با رویکردی رفتاری است.

روش: الگوی پژوهش بر اساس روش آمیخته کمّی و کیفی و بر پایهٔ روش نظریهٔ زمینه‌بنیاد ترسیم و ارائه شده است. داده‌های بخش کیفی، از طریق مصاحبه با تعداد ۱۵ نفر از متخصصان و خبرگان به‌دست آمد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در گروه‌های ذی‌نفع شرکت‌های مورد مطالعه، عوامل روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی در هیئت مدیره، شاخص‌های رفتاری مشترک بین گروه‌های ذی‌نفع را به‌صورت کدهای محوری تبیین می‌کنند که با سایر پژوهش‌های رویکرد رفتاری هم‌راستاست. از میان گروه‌های ذی‌نفعان، سهامداران افزایش ثروت و منافع فردی را به‌طور خاص دنبال می‌کنند. ذی‌نفعان نهادی به اهداف کاهش هزینهٔ نمایندگی و تقارن اطلاعاتی بیشتر توجه می‌کنند. دولت، بر اهداف برنامهٔ توسعه و سیاست‌گذاری کلان توجه خاصی دارد. ذی‌نفعان اقتصادی روی اهداف افزایش ثروت، رشد و رقابت‌پذیری به‌طور خاص متمرکزند. ذی‌نفعان سیاسی نیز اهداف ائتلافی، افزایش نفوذ و قدرت سیاسی را در اولویت قرار می‌دهند و در نهایت، شبکه‌های اجتماعی اهداف منافع عمومی، اعتمادسازی اجتماعی و دسترسی به منابع را به‌طور خاص دنبال می‌کنند. طبق نتایج پژوهش، شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و مدیریتی شرایط علّی هستند که روی الگوی رفتاری ذی‌نفعان با ضریب نسبت ۰/۸۳۴ تأثیر مستقیمی می‌گذارند. افزون‌بر این مشخص شد که شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع در سازمان مورد مطالعه و عوامل زمینه‌ای الگوهای رفتاری

استناد: انصاری نیک، سپهدار و طبیبی، سیدجمال‌الدین (۱۴۰۴). رویکردی رفتاری به نقش ذی‌نفعان درالگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته. *مدیریت دولتی*، ۱۷(۱)، ۲۲۱– ۲۵۶.

مدیریت دولتی، ۱۴۰۴، دوره ۱۷، شماره ۱، صص. ۲۲۱– ۲۵۶
ناشر: دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران
نوع مقاله: علمی پژوهشی
© نویسندگان
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱
doi: https://doi.org/10.22059/JIPA.2024.385839.3608

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ذی‌نفعان، شامل‌عدم قطعیت محیطی، فرهنگ ملی، سازوکارهای کنترلی و پیچیدگی سازمانی (با نسبت ۰/۶۱۶-) بر راهبردهای بهبود الگوی حاکمیت شرکتی تأثیر معکوسی نشان داده‌اند. همچنین، بر اساس نتایج پژوهش، رابطهٔ تأثیرگذاری رفتار ذی‌نفعان با راهبردهای بهبود ۰/۳۵۱- به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: برایند رفتاری ذی‌نفعان در این شرکت‌ها در راستای راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی نبوده است. این مفهوم یکی از یافته‌های مهم این پژوهش است و نشان می‌دهد که بازنگری تنظیم روابط و نقش مرکب ذی‌نفعان در سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن، برای اثرگذاری مثبت در راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی ضرورت دارد. علاوه‌براین، مطالعهٔ حاضر نشان داد که کنترل تعارض منافع بین ذی‌نفعان از طریق نظارت، پایش ارزش، یکپارچه‌سازی منافع، پاسخ‌گویی و شفافیت، می‌تواند به هم‌سویی استراتژیک بین گروه‌های ذی‌نفع منجر شود و در نتیجه، پیامدهای بهبودی همچون نتایج عملکردی مثبت، خلق ارزش، تصمیم‌گیری عقلایی و پایداری را برای سازمان به ارمغان آورد. این پژوهش با روش پژوهش آمیخته و رویکرد رفتاری به موضوع حکمرانی شرکتی در سازمان پرداخت و بر اساس روش نظریه بنیاد، الگویی متفاوت با سایر پژوهش‌ها ارائه داد که نوآوری آن محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت شرکتی، ذی‌نفعان، الگوی رفتاری، سازمان تأمین اجتماعی ایران، نظریه زمینه‌بنیاد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

از نگاه نظری، نیاز به حاکمیت شرکتی زمانی احساس می‌شود که جدایی بین مالکیت و مدیریت شرکت اتفاق می‌افتد (وارث، صلواتی‌زاده و بناءزاده، ۱۴۰۱). علاوه‌بر عوامل داخلی، عوامل محیطی بیرونی نیز بر ثبات و توسعهٔ یک سازمان تأثیر می‌گذارند؛ از این رو رابطهٔ بین یک سازمان و محیط بیرونی آن، عاملی تعیین‌کننده در تنظیم سازوکارهای راهبری سازمان است (لولن و لولن[1]، ۲۰۲۲). افراد و گروه‌های مختلفی در محیط بیرونی یک سازمان وجود دارند و نیازها و علایق آن‌ها، بر اهداف سازمان تأثیر می‌گذارد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و راهبری شرکتی در سازمان‌های امروزی، به‌طور فزاینده‌ای به این گروه‌ها وابسته شده است. بر این اساس، دیدگاهی وجود دارد بر این مبنا که سازمان در محیطی فعالیت می‌کند که محیط بر سازوکارهای حاکمیت شرکتی سازمان تأثیر می‌گذارد. افراد و گروه‌هایی در محیط سازمان که عملکرد و توسعهٔ سازمان را تعیین می‌کنند، ذی‌نفعان نامیده می‌شوند (سیافات و حمودی[2]، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، عملکردهای مدیریت سازمان و تغییرات شیوه‌های حاکمیت شرکتی، از نفوذ ذی‌نفعان نشئت می‌گیرد. ذی‌نفعان افرادی فعال هستند که بر فعالیت‌ها یا مدیریت سازمان تأثیر مستقیمی دارند. ذی‌نفعان اغلب به‌طور فعال در فعالیت‌های سازمان درگیر می‌شوند؛ بنابراین به بهبود عملکرد سازمان کمک می‌کنند (قریشی، مالیک و قریشی[3]، ۲۰۱۷). این بدان معناست که حکمرانی شرکتی که به موضوع کلیدی نظریه مدیریت تبدیل شده است، بر اجرای اهداف و نیازهای ذی‌نفعان استوار است. به عبارت دیگر، سازمان‌ها می‌توانند با برآوردن نیازهای ذی‌نفعان مختلف، نتایج مالی خود را بهبود دهند یا به‌سادگی عملکرد سازمان را مؤثرتر کنند (پلاتونوا، آسوتای، دیکسون و محمد[4]، ۲۰۱۶).

از طرفی، حکمرانی به سازمان‌ها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها نقش دارند (میرباقری و جلیلی، ۱۴۰۲). از طرف دیگر، امروزه به‌دلیل تأثیرگذاری تغییرات در بازار جهانی و الگوی رفتاری مشتریان و مصرف‌کنندگان، بر فضای خرد کسب‌وکار، سازمان‌ها با هدف فعالیت بلندمدت و مسئولانه، رابطه و اعتماد خود را با ذی‌نفعان تقویت می‌کنند (تارکوم[5]، ۲۰۱۹). به همین دلیل، به‌تازگی بحث‌های علمی مربوط به موضوع مدیریت ذی‌نفعان در سازمان، در کانون توجه قرار گرفته است. در این راستا، محققان خاطرنشان می‌کنند که سازمان‌ها از جانب ذی‌نفعان مختلفی، همچون کارمندان، سهام‌داران، تأمین‌کنندگان، مشتریان، جوامع، رسانه‌ها و غیره تحت فشار هستند. بنابراین به‌دلیل گستردگی گروه ذی‌نفعان، سازمان‌ها به اشتباه پاسخ‌های استراتژیک را برای مواجهه با تغییرات محیطی آماده می‌کنند و اصول و موازین عملکرد خود را تغییر می‌دهند. این پاسخ اشتباه به تغییرات محیطی که البته با هدف تداوم فعالیت و بهبود عملکرد انجام می‌شود و نشان‌دهندهٔ اثربخشی ذی‌نفعان ناکارآمد در تعیین فعالیت‌های مدیریت سازمانی و تهیهٔ نقشه‌راه سازمان در قالب حاکمیت شرکتی است، بر تصمیم‌های نهایی و عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارند (هوپ[6]،

1. Lewellen & Lewellen
2. Syafaat & Hamoode
3. Qureshi, Malik & Qureshi
4. Platonova, Asutay, Dixon & Mohammad
5. Tarkom
6. Hopt

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۰۲۴). باید توجه شود که یک نظام حکمرانی شرکتی بد، می‌تواند عملکرد خوب شرکت‌های دولتی را زایل کند (بیگی، ابویی اردکان، مقیمی و نوبخت، ۱۴۰۲).

با توجه به نقش عمدهٔ ذی‌نفعان در شکل‌گیری تصمیم‌های مدیریتی و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، می‌توان این‌طور تصور کرد که ذی‌نفعان بخشی از استراتژی مدیریت مرتبط با هر نوع فعالیتی هستند (کارپوف[1]، ۲۰۲۱). بر همین اساس، پژوهشگران تلاش کرده‌اند که انواع شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان را شناسایی کنند تا از این طریق، بتوانند تأثیر رفتار آن‌ها بر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در سازمان‌های امروزی را با بینش گسترده‌تری تبیین کنند. هدف از شناسایی شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان، ایجاد توازن در خواسته‌های آنان، به‌منظور دستیابی به اهداف سازمان است. بنابراین الگوی رفتاری ذی‌نفعان، چارچوبی برای مدیریت طیف وسیعی از روابط و راهبردهای حاکمیتی در سازمان است که می‌تواند به تکامل عملکرد سازمان نیز منجر شود (هارت و زینگالس[2]، ۲۰۲۲). با این حال، الگوهای رفتاری ذی‌نفعان بیشتر در جوامع توسعه‌یافته‌ای مطالعه شده که سازوکارهای حاکمیت شرکتی در آن‌ها، بر کاهش تضاد منافع بین گروه‌های ذی‌نفع مبتنی است؛ در حالی که در جوامع در حال توسعه با نقص قوانین حمایتی از گروه‌های ذی‌نفع، توجه اندکی به فرایند ارتباط با ذی‌نفعان شده است (هالپین و فراوسن[3]، ۲۰۱۹). امروزه با تغییر پارادایم حاکمیت شرکتی، بازاندیشی و ارزیابی مجدد نقش ذی‌نفعان در فرایند مدیریت سازمانی، اهمیت شایان توجهی دارد؛ به همین دلیل توسعهٔ روش‌ها و الگوهای پیشین برای برآوردن نیازهای مدیریت، از طریق شناسایی دقیق الگوی رفتاری ذی‌نفعان اثرگذار بر ساختار و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اهمیت یافته است. در همین راستا، در مطالعهٔ حاضر به شناسایی الگوی حاکمیت شرکتی متأثر از رفتار ذی‌نفعان پرداخته شده است و به‌دلیل اهمیت اجتماعی و اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی و نقش آن در جامعه ایران، این مطالعه به‌دنبال ترسیم الگوی رفتاری ذی‌نفعان در سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن است و شاخص‌های رفتاری برجستهٔ هر گروه از ذی‌نفعان را شناسایی می‌کند.

در ادامهٔ مقاله، به مرور مفاهیم و ادبیات نظری و پیشینهٔ پژوهش پرداخته می‌شود و ضمن مرور روش‌شناسی پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده برای طراحی الگوی مدنظر پژوهش، بر اساس روش نظریه‌بنیاد ارائه می‌شوند. همچنین اعتبارسنجی الگو، از طریق تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس انجام شد. در پایان نیز، پیشنهادهایی به‌منظور بهبود الگوی حاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته ارائه شده است. این نخستین پژوهشی است که با روش پژوهش آمیخته، به موضوع حکمرانی شرکتی با رویکرد رفتاری ذی‌نفعان در سازمان و بر اساس روش نظریه‌بنیاد انجام می‌شود و از این جنبه نوآورانه است. در این پژوهش، الگویی متفاوت با سایر پژوهش‌های اجرا شده در باب این موضوع ارائه می‌شود.

1. Karpoff
2. Hart & Zingales
3. Halpin & Fraussen

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیشینهٔ نظری پژوهش

مبانی نظری ذی‌نفعان متنوع است. با این حال، در تجزیه‌وتحلیل عملکرد ذی‌نفعان در یک سازمان، اکثر محققان به مفهومی که توسط فریمن[1] (۱۹۸۴) کار شده است، اشاره می‌کنند. فریمن اشاره می‌کند که ذی‌نفعان می‌توانند عملکرد یک سازمان را تعیین کنند و برعکس (کرین و روبوتوم[2]، ۲۰۱۱). مفهوم ذی‌نفع، به موضوع مهمی در اداره و کنترل شرکت‌ها تبدیل شده است؛ با این حال، در خصوص اینکه این مفهوم چیست، اتفاق نظر وجود ندارد. تحقیقات تجربی و نظری، تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان یا خود ذی‌نفعان را نشان می‌دهد. تحقیقات علمی معاصر تعاریف متفاوتی را از ذی‌نفعان در سازمان ارائه می‌دهد؛ برای مثال، ذی‌نفعان بازارهای عمومی یا مرتبطی هستند که سازمان با آن‌ها در تعامل است (دیکینسون دلاپورت، بورلند و لیندگرین[3]، ۲۰۱۰). ذی‌نفعان افراد یا گروه‌هایی از افراد هستند که داوطلبانه یا غیرارادی، به یک سازمان کمک می‌کنند و مولدهای بالقوهٔ سود یا ریسک هستند (گیل لافونته و پائولا[4]، ۲۰۱۳). در نظریهٔ ذی‌نفعان تأکید می‌شود که تصمیم‌ها و عملکرد یک سازمان تا حد زیادی، تحت تأثیر مشارکت بسیاری از ذی‌نفعان مختلف است. این نظریه رابطهٔ بین سازمان‌ها و ذی‌نفعان را با توجه به نحوهٔ تعامل آن‌ها بررسی می‌کند (ویوروس[5]، ۲۰۱۷).

نظریهٔ ذی‌نفعان در واقع، مبنایی برای فشار ذی‌نفعان بر اجرای استراتژی‌های با کیفیت خوب با هدف بهبود عملکرد مالی است که مزیت رقابتی را نسبت به سایر سازمان‌ها تضمین می‌کند (وانگ، دو و جیا[6]، ۲۰۱۶). آگولرا، فیلاتوچف، گاسپل و جکسون[7] (۲۰۰۸)، طی پژوهشی نگاه به الگوی حاکمیت شرکتی از دیدگاه نظریهٔ نمایندگی را دیدگاه متناسب با سیستم بسته به سازمان دانسته و بیان کرده‌اند که باید وابستگی‌های درون سازمان با محیط را به‌خصوص روابط را براساس هزینه‌ها، اقتضائات و ممکنات در تجربه‌های متفاوت حاکمیت شرکتی، در چارچوب یک سیستم باز نگاه کرد. این دیدگاه به نظریهٔ ذی‌نفعان نزدیک است که اثربخشی شیوه‌های حاکمیت را فراتر از بازیگران مرتبط با شرکت می‌داند؛ چرا که برخلاف نظریهٔ نمایندگی که به‌دنبال کارایی است، نظریهٔ ذی‌نفعان با توجه به فراگیری اهداف شرکت و نگاه زمینه‌ای به محیط سازمان، به‌دنبال اثربخشی است.

با رویکرد رفتاری به حاکمیت شرکتی، می‌توان نظریه‌پردازی واقع بینانه‌تر و اجرای کاربردی‌تری داشت (دیواندری، هاشمی، آقازاده و حسینی، ۱۳۹۸). این نظریه، شرکت را به‌طور میان رشته‌ای و متمایز از نظریه‌های شناخته شده تحلیل می‌کند (ایزابری[8]، ۲۰۲۱). از نظر ایزابری، در نظریهٔ رفتاری شرکت، شرکت به‌مثابهٔ یک واحد تولیدی هدف‌دار و یک ائتلاف غالب (در هیئت‌مدیره) است که منافع مختلف ذی‌نفعان خود را در آن اهداف هماهنگ می‌کند. تمرکز مطالعات

1. Freeman
2. Crane & Ruebottom
3. Dickinson-Delaporte, Beverland & Lindgreen
4. Gil-Lafuente & Paula
5. Viveros
6. Wang, Dou & Jia
7. Aguilera, Filatotchev, Gospel & Jackson
8. Isabirye

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رفتاری شرکت بر آن بود که سازمان‌ها چگونه بر اساس تصمیم‌گیری‌ها رفتار می‌کنند؟ در این بررسی آن‌ها به روابطی بین چگونگی تصمیم‌گیری و اهداف شرکت پی بردند. طبق این نظریه، رفتار شرکت از طریق عملی نمایان می‌شود که برایند اجماع روابط ذی‌نفعان و ائتلاف آن‌هاست؛ به عبارتی بین اهداف ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری درون سازمان تحت تأثیر شرایط داخلی و بیرونی رابطه معناداری وجود دارد.

نظریهٔ رفتاری به‌دنبال بیان چگونگی و چرایی تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اهداف شرکت، ادراک شرایط عدم قطعیت محیطی و درک محیط بنگاه است. در بین مطالعات انجام شده در خارج از کشور نیز، سیافات و حمودی (۲۰۲۳) در یک مطالعه، نظریه‌های رایج حاکمیت شرکتی را سه نوع می‌دانند: نظریهٔ آمریکایی ـ انگلیسی، نظریهٔ آلمانی و نظریهٔ ژاپنی. نظریهٔ آمریکایی دارای خصوصیت تسلط فردی مستقل و سهام‌داران شخصی است و با شرکت تعاملات کاری ندارد که به آن‌ها بیرونی‌ها[1] گفته می‌شود و پخش بودن سرمایه‌های اجتماعی در دست عدهٔ زیادی از سهام‌داران است که فقط به‌دنبال سود هستند و درگیر شرکت نیستند. نظریهٔ آلمانی یک تکامل زمانی از نظریهٔ آمریکایی است، با این تفاوت که بخش اصلی سهام‌داران، از طریق نفوذ و تسلط در مدیریت و کنترل شرکت با شرکت ارتباط تجاری دارند که به آن‌ها داخلی‌ها گفته می‌شود. نظریهٔ ژاپنی یا حاکمیت با مداخله، شبیه نظریهٔ آلمانی است و سرمایه‌گذاران بیشتر از طریق بانک‌ها به‌صورت نهاد مالی نمایندگی می‌شوند و از این طریق در مدیریت و کنترل شرکت درگیرند.

پیشینهٔ تجربی پژوهش

موفقیت یک سازمان بستگی به این دارد که سازمان چگونه روابط را با ذی‌نفعان کلیدی مانند مشتریان، کارکنان، تأمین‌کنندگان، جوامع، تأمین‌کنندگان مالی و سایرین که ممکن است بر اجرای اهداف سازمان تأثیر بگذارد، مدیریت کند (ناسیتی، سزارونی و پولجو[2]، ۲۰۲۲). این طور استدلال می‌شود که اهمیت ذی‌نفعان برای مدیریت مؤثر سازمان مهم است؛ زیرا بر اهداف استراتژیک بلندمدت تأثیر می‌گذارد (کوردیرو و تیواری[3]، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، مشارکت مستقیم ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری استراتژیک در یک سازمان، برای موفقیت سازمان بسیار مهم است (تئودولیدیس، دیاز، کروتو و رانکاتی[4]، ۲۰۱۷). به همین دلیل، تأکید بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه، بر نیاز به تعامل بین سازمان و ذی‌نفعان، در نتیجهٔ تقویت همکاری متقابل و درک نیازهای یکدیگر است (بلوک، هافمنز و ووبن[5]، ۲۰۱۵). همکاری و مدیریت صحیح ارتباط با ذی‌نفعان، گامی اساسی در جهت موفقیت در کسب‌وکار است (باف[6]، ۲۰۱۵).

ذی‌نفعان می‌توانند هم در داخل و هم خارج از سازمان باشند. مدیریت ذی‌نفعان در چارچوب یک سازمان به مهارت زیادی نیاز دارد؛ زیرا نه تنها شناسایی صحیح ذی‌نفعان، بلکه تعریف انتظارها، تهدیدها، فرصت‌های تأثیر مثبت و

1. outsiders
2. Naciti, Cesaroni & Pulejo
3. Cordeiro & Tewari
4. Theodoulidis, Diaz, Crotto & Rancati
5. Blok, Hoffmans & Wubben
6. Baugh

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

همچنین توسعه و اجرای استراتژی برای مدیریت روابط متقابل ضروری است (فرنکا، وارموسا و وداکا[1]، ۲۰۱۷). این واقعیت پیش‌تر نیز تأیید شده است که ذی‌نفعان همیشه انتظارات متفاوتی از یک سازمان دارند. انتظارات آن‌ها اغلب با ارزش‌آفرینی و بیان مسئولیت اجتماعی مرتبط است. نتایج مطالعات نشان داده است که بین انتظارات شخصی ذی‌نفعان و منابع مالی سازمان‌ها و نتایج عملکرد آن‌ها ارتباط وجود دارد (لاند و پولمن[2]، ۲۰۲۱). محققان توافق دارند که تجزیه‌وتحلیل رفتار ذی‌نفعان برای اطمینان از مدیریت موفق یک سازمان اساسی است، در غیر این صورت توسعه اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی یک سازمان در خطر خواهد بود. به عبارت دیگر، «فرهنگ کسب‌وکار مبتنی بر شناسایی، همهٔ طرف‌های درگیر در فرایند است که نوسازی سیاسی و اجتماعی را تسهیل می‌کند» (ایزابری، ۲۰۲۱). با این حال، شناسایی ذی‌نفعان سودمند است؛ اما اغلب فرایند حاکمیت شرکتی را دشوارتر می‌کند. علاوه‌براین، نام بردن از همهٔ ذی‌نفعان بالقوه در یک سازمان نیز مشکل‌ساز و حتی گاهی غیرممکن است. این به‌دلیل تنوع بالا در صنایع، سازمان‌ها، موقعیت‌های جغرافیایی، موقعیت‌های خاص و زمان اثرگذاری ذی‌نفعان است. محققان اذعان می‌کنند که هیچ دستورالعملی وجود ندارد که بتواند به‌راحتی ذی‌نفعان را بر اساس ماهیت یا موقعیتشان به گروه‌های مشخصی، شناسایی و طبقه‌بندی کند (فریس[3]، ۲۰۲۲).

تفاوت بین ذی‌نفعان با توجه به میزان مشارکت آن‌ها در عملکرد سازمان، مهم است. ذی‌نفعانی که علاقهٔ بیشتری به فعالیت‌های مالی سازمان (سود، کارایی، بازده مالی) دارند، معمولاً کارکنان، مالکان، مدیران، سهام‌داران و هیئت‌مدیره هستند. بنابراین، اگر سازمانی نتواند این انتظارات را برآورده کند، احتمالاً فعالیت‌های عملکردی سازمان متوقف می‌شود و در نتیجه ارزش اقتصادی سازمان کاهش می‌یابد. سایر ذی‌نفعان به مسائل مربوط به ارزش، کیفیت، رضایت، روابط بلندمدت، عملکرد اخلاقی و اخلاقی، حمایت مالی و غیره توجه دارند (کلاور[4]، ۲۰۲۰). آن‌ها می‌توانند یا تابع مدیریت سازمان باشند یا بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند. محققان اذعان دارند که این ذی‌نفعان گروه‌های زیر را پوشش می‌دهند: مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، شرکای تجاری، جامعه، رقبا، دولت، گروه‌های ذی‌نفع سیاسی، تاجران، انجمن‌های تجاری، آژانس‌های نظارتی دولتی، مؤسسه‌های مالی، تحلیلگران و شبکه‌های اجتماعی. این ذی‌نفعان لزوماً ارتباط مستقیمی با سازمان ندارند؛ اما می‌توانند بر سهام‌داران کلیدی سازمان تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر، این ذی‌نفعان دائماً درگیر معاملات با سازمان نیستند. ارتباط آن‌ها فقط در روابط متقابل با سازمان درک می‌شود. بنابراین، می‌توان ذی‌نفعان کلی یک سازمان را در قالب ذی‌نفعان دارای منافع مستقیم و ذی‌نفعان دارای منافع غیرمستقیم دسته‌بندی کرد (کستیل و نیلی[5]، ۲۰۲۱).

ذی‌نفعان با منافع مستقیم، به‌طور مستقیم از عملکرد مالی سازمان بهره می‌برند، در حالی که ذی‌نفعان فاقد منافع مستقیم، به خلق ارزش برای سازمان منجر می‌شوند. خواه این ارزش، ارزش اجتماعی، فرهنگی باشد، خواه ارزش

1. Ferenca, Varmusa & Vodáka
2. Lund & Pollman
3. Friess
4. Kluver
5. Kastiel & Nili

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اقتصادی از منظر رضایت مشتری و غیره. بنابراین، طیف گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی که دارای منافع مستقیم از سازمان نیستند، گسترده‌تر از ذی‌نفعان داخلی سازمان است که به‌طور مستقیم از رفاه و پیشرفت سازمان بهره می‌برند (لی و لوین[1]، ۲۰۲۰). در همین راستا، می‌توان مطالعاتی را یافت که اثرهای گروه‌های ذی‌نفع سازمان را بر جنبه‌های عملکردی سازمان مورد مطالعه قرار داده‌اند. پاسترا، کوفوپولوس، اسکینتزی، جوهانسون و ساماک[2] (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «پویایی هیئت‌مدیره، اثربخشی هیئت‌مدیره و عملکرد سازمانی مورد مطالعه منطقهٔ نوردیک اروپا» انجام دادند. از نظر آن‌ها، هیئت‌مدیره یک گروه سطح بالا از مدیران هستند که می‌توانند تصمیم‌های نجات‌بخش و بلندمدتی برای سازمان‌ها بگیرند؛ اما مطالعات اندکی در خصوص هیئت‌مدیره از منظر یک تیم وجود دارد و تا امروز، در خصوص فرایند پویایی تیم هیئت‌مدیره، از جمله تعارض‌های داخل هیئت‌مدیره و بستر اجرای راهبردها در بیرون از آن دانش اندکی به‌دست آمده است.

ایزابری (۲۰۲۱) طی یک مطالعهٔ تطبیقی با ضروری دانستن نظام حکمرانی شرکتی اثربخش در جهان مدرن، مسیر اثربخشی را تقسیم نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تخصیص منابع از طریق درگیری بیشتر ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری به‌عنوان یک پارامترکلیدی دانسته است. او ضمن برشمردن چهار الگوی رایج، یعنی آنگلوساکسون، قاره‌ای، چینی و اسلامی، الگوی انگلیسی ـ آمریکایی را به‌دلیل بزرگی اقتصاد آمریکا و انگلستان، نظریهٔ رایج‌تری می‌داند و نظریهٔ حکمرانی شرکتی اروپایی را اثربخش‌تر. در مطالعهٔ کستیل و نیلی (۲۰۲۱) با عنوان «نگاهی نو به حاکمیت شرکتی»، الگوی انگلیسی ـ آمریکایی مبتنی بر بازار و با رویکرد ارزش سهام‌داران و الگوی اروپایی مبتنی بر روابط با تمرکز بر حداکثرسازی سود گروهی بزرگ‌تر به‌نام ذی‌نفعان قلمداد می‌شوند. نتایج مطالعهٔ کایر و آسلوز[3] (۲۰۲۱) با کمک نظریهٔ مفهومی برخاسته از نظریهٔ نمایندگی و نظریهٔ جانشینی، حاکی از روابطی مثبت، منفی و در مواردی بدون رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بنگاه‌ها بوده است. لیمانتارا، مورهادی و ویجایا[4] (۲۰۲۰) نشان دادند که مالکیت مستقل، مالکیت دولت و اندازهٔ هیئت‌مدیره رابطهٔ مثبتی با عملکرد شرکت دارند؛ در حالی که مالکیت نهادی و اندازهٔ شرکت با عملکرد شرکت رابطهٔ منفی دارند. لی و لوین (۲۰۲۰) نیز با بررسی رابطهٔ بین مشکلات مالی و مدیریت سود با توجه به نقش تعدیلگری کنترل‌های داخلی، نشان می‌دهند که شرکت‌های دارای درماندگی (مشکلات مالی) تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود تعهدی نسبت به مدیریت سود واقعی دارند و کیفیت کنترل‌های داخلی استفاده از هر دو شیوهٔ مدیریت سود در این شرکت‌ها را محدود می‌کند.

تارکوم (۲۰۱۹) طی پژوهش طولی برای ۲۷ اقتصاد پیشرفته و ۲۰ اقتصاد نوظهور بر اساس نظریهٔ فاسیو[5] (۲۰۰۶)، نشان می‌دهد که در بازارهای توسعه‌یافته، محیط (بسته) سیاسی مشوق ریسک پذیری بیشتر شرکتی است، درحالی که در

1. Lee & Levine
2. Pastra, Koufopoulos, Skintzi, Johansson & Samac
3. Kyere & Ausloos
4. Limantara, Murhadi & Wijaya
5. Faccio

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بازارهای نوظهور این ارتباطات سیاسی[1] است که ریسک‌پذیری شرکت را تقویت می‌کند. ناسیتی و همکاران (۲۰۲۲) طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های شرکت شامل اندازهٔ شرکت، تاریخچه و عمر شرکت، قدرت نفوذ، کیفیت حسابرسی و کنترل داخلی و ساختار دارایی از جمله عوامل تعیین‌کنندهٔ ضروری برای عملکرد و موفقیت مالی شرکت هستند، مشروط بر اینکه بتوان آن‌ها را با ویژگی‌های محیط انطباق داد. خلاصه‌ای از پژوهش‌های یافته شدهٔ فوق در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های مرتبط خارجی انجام شده

پژوهشگر	موضوع	یافته/ نظریه
ناسیتی و همکاران (۲۰۲۲)	شناسایی ذی‌نفعان کلیدی	ذی‌نفعان شامل مشتریان، کارکنان، تأمین‌کنندگان جوامع، تأمین‌کنندگان مالی
ایزابری (۲۰۲۱)	نظریه رفتاری شرکت	شرکت یک ائتلاف غالب از هیئت‌مدیره است که منافع مختلف ذی‌نفعان خود را در تنظیم اهداف هماهنگ می‌کنند.
ایزابری (۲۰۲۱)	حکمران شرکتی اثر بخش	درگیری ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری به‌خصوص در تقسیم نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تخصیص منابع
لارند و پولمن (۲۰۲۱)	انتظارات ذی‌نفعان	بین انتظارات ذی‌نفعان و منابع مالی سازمان و عملکرد سازمان رابطه وجود دارد.
کلاور (۲۰۲۰)	تفاوت ذی‌نفعان	ذی‌نفعان داخلی مثل کارکنان مدیران و هیئت‌مدیره و سهامداران به عملکرد مالی سازمان علاقه دارند، سایر ذی‌نفعان بیرونی بیشتر به مسائل مربوط به ارزش، کیفیت، رضایت، اخلاق توجه دارند.
لی ولوین (۲۰۲۰)	تقسیم‌بندی ذی‌نفعان در حکمرانی شرکتی	ذی‌نفعان با منافع مستقیم از عملکرد مالی بهره می‌برند. ذی‌نفعان بدون منافع مستقیم، باعث خلق ارزش اجتماعی و فرهنگی برای سازمان می‌شوند.
نئوولیدوس و همکاران (۲۰۱۷)	نقش ذی‌نفعان	نقش ذی‌نفعان بر تصمیم‌گیری استراتژیک سازمان
فرنکا و همکاران (۲۰۱۷)	شناسایی ذی‌نفعان	ذی‌نفعان داخلی و بیرونی سازمان باید به‌درستی شناسایی و مدیریت شوند. انتظارات آن‌ها درک شود.
کوردیر و تیواری (۲۰۱۵)	تأثیرذی‌نفعان	تأثیر ذی‌نفعان بر تعیین اهداف استراتژیک
اگولرا و همکاران (۲۰۰۸)	حکمرانی شرکتی بین‌المللی	بخشی از پژوهش در حکمرانی شرکتی بر «مطالعات قدرت و نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری در شرکت» تمرکز دارد.

در داخل کشور، مطالعات متعددی می‌توان یافت که بحث حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر جنبه‌های عملکردی شرکت را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما در آن میان، تعداد مطالعاتی که حاکمیت شرکتی را از منظر گروه‌های ذی‌نفع بررسی کنند، ناچیز است. در بین مطالعات مرتبط با این زمینه، تنها تعداد کمی از تحقیقات را می‌توان یافت که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

1. Political Connection

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مهاجرانی، مشایخی و طالبیان (۱۳۹۸) طی پژوهش خود در موضوع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی ایران برمبنای نظریهٔ نهادی، الگوهای رایج حاکمیت را دو نوع دانسته‌اند که شامل الگوی انگلیسی ـ آمریکایی (آنگلوساکسون) و الگوی قاره‌ای (کانتیننتال) هستند. سیدعلی‌پور قرانی (۱۳۹۸) با بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر توزیع سود سهام به این نتیجه رسید که مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و نقش دوگانهٔ مدیرعامل به‌عنوان ابعادی از حاکمیت شرکتی، بر تقسیم سود سهام تأثیر مثبت و معنادار و با اندازهٔ هیئت‌مدیره رابطهٔ معکوس دارند. شمسایی و امین پناه (۱۳۹۷) نیز نشان داده‌اند که مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و استقلال هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند، در حالی که تمرکز مالکیت و اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت تأثیر معناداری ندارد. رهنورد و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چنین نتیجه می‌گیرند که حضور دولت در اقتصاد را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما انچه در وضعیت اقتصادی و افزایش شفافیت نقش تعیین‌کننده دارد، میزان و حجم مداخلات دولت در اقتصاد و حاکمیت شرکت‌هاست.

یکی از جدیدترین پژوهش‌های حول محور هیئت‌مدیره در زمینهٔ حاکمیت شرکتی در ایران توسط دیواندری و همکاران (۱۴۰۰) انجام گرفت. آن‌ها با یک مرور نظام‌مند در ۱۴۰ مقاله علمی مرتبط به روش فراترکیب، به یک چارچوب مفهومی در باب حاکمیت شرکتی با رویکرد رفتاری دست یافتند. به‌گفتهٔ آن‌ها پژوهش‌های کلاسیک در حوزهٔ حاکمیت شرکتی بر موضوعات «ساختاری» تمرکز داشتند. آن‌ها در مرور نظام‌مند خود، دو جریان رفتاری در مطالعات و پژوهش‌های ادبیات حاکمیت شرکتی را شناسایی کردند: جریان اول رفتاری، با تعاملات در روابط هیئت‌مدیره و سایر ذی‌نفعان شرکت، از جمله مدیرعامل و مدیران اجرایی مرتبط بوده است. آن‌ها کشف پویایی‌های اعتماد، قدرت، نفوذ، ائتلاف‌ها، احساسات بین بازیگران مختلف را بخشی از این جریان رفتاری می‌دانند. جریان دوم رفتاری در پژوهش‌های حاکمیت شرکتی را به‌طور عمده با تصمیمات و به‌طور خاصی تصمیمات استراتژیک مرتبط می‌دانند. این جریان رفتاری از طریق سازوکارهای فردی و شناختی پدیدار می‌شوند.

مرور پیشینهٔ تجربی پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران در مطالعات پیشین، به فرایندهای رفتاری بازیگران بیرون و درون سازمان و بنگاه بی‌توجهی کرده‌اند؛ زیرا مدیریت سازمان، دستخوش نفوذ ناسازگار ذی‌نفعان و تأثیر متضاد آن بر تصمیمات و عملکرد سازمان و ایجاد منابع ریسک می‌شود. بنابراین، شناسایی سیستماتیک ذی‌نفعان سازمان و برچسب‌گذاری ویژگی‌های آن‌ها، یکی از موضوعات کلیدی در حوزهٔ پژوهشی در این زمینه است که در پژوهش حاضر به‌درستی بررسی شده که یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش و ارزش‌آفرینی آن در این زمینه علمی است. نه تنها درک نیازها و انتظارات ذی‌نفعان مختلف، بلکه درک این موضوع که آیا اعمال این انتظارات به اجرا و تحقق اهداف سازمان کمک می‌کند یا خیر، اهمیت زیادی دارد. به عبارت دیگر، از آنجایی که ذی‌نفعان منافع خاص خود را دارند، سازمان باید این منافع را به‌طور مشترک در نظر گرفته و اجرا کند و در نتیجه، به‌گونه‌ای، به توازن در منافع متقابل و ایجاد ائتلاف بین ذی‌نفعان دست یابد. از این بابت، مخاطب این پژوهش می‌تواند هم مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌مدیره‌ها، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران دولتی به‌خصوص در سازمان تأمین اجتماعی باشند و هم پژوهشگران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مؤسسه‌ها، دانشگاه‌ها، شرکت‌ها، کارشناسان و مدیران سازمان بورس که به‌دنبال شناخت جنبه‌های مهم حاکمیت شرکتی در جهان امروز، به‌ویژه در ایران هستند.

جدول ۲. خلاصهٔ پژوهش‌های مرتبط داخلی

پژوهشگر	موضوع	یافته/ نظر
یاوریان، طوطیان اصفهانی، میرسپاسی و معمارزاده طهران (۱۴۰۱)	طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب	دولت‌ها از طریق مداخلات در اقتصاد به‌دنبال دستیابی به رفاه مردم است.
دیوانداری و همکاران (۱۴۰۰)	حاکمیت شرکتی در ایران با رویکرد رفتاری	تعاملات در روابط هیئت‌مدیره، مدیرعامل و سایر مدیران اجرایی با سایر ذی‌نفعان در برگیرندهٔ شاخص‌هایی از جمله اعتماد، قدرت نفوذ، احساسات بازیگران مختلف را بخشی از رویکرد یا جریان فتاری دانست. همچنین بخشی از پژوهش‌های حاکمیت شرکتی مرتبط با فرایند تصمیم‌گیری است.
مهاجرانی و همکاران (۱۳۹۸)	حاکمیت شرکتی در سازمان‌های دولتی ایران با رویکرد نهادی	در الگوی رایج حکمرانی شرکتی انگلوساکسون (انگلیسی و آمریکایی) و الگوی قاره‌ای (اروپایی)
سیدعلی‌پور قرانی (۱۳۹۸)	حاکمیت شرکتی و سود سهام	مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل، ابعاد حاکمیت شرکتی هستند و تأثیر مثبتی بر تقسیم سود سهام دارند.
شمسایی و امین پناه (۱۳۹۷)	عملکرد شرکت و حکمرانی	مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی و استقلال هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارند.
رهنورد، محسنی و لک (۱۳۹۶)	ارتباطات سیاسی بنگاه و عملکرد	مداخلات دولت بر شفافیت عملکرد شرکت‌ها و وضعیت اقتصادی نقش تعیین کننده دارد.

یکی از وجوه مهم پژوهش در این زمینه، شناخت درست نیاز ذی‌نفعان و کنش‌های رفتاری آن‌ها، به‌خصوص در عرصهٔ سازمان است، در غیر این صورت، اگر نیازهای ذی‌نفعان برآورده نشود، عملکرد سازمان در چشم‌انداز بلندمدت پُرابهام خواهد بود و عدم حمایت ذی‌نفعان یا تقابل آن‌ها را در پی خواهد داشت. از نتایج این پژوهش شناخت علت‌ها، زمینه‌های بهبود اگرچه باید تأکید کرد که در تحقیقات پیشین، رویکرد نظری فریمن[1] در خصوص ذی‌نفعان به‌طور گسترده استفاده شده است. در حالی که کاربرد این نظریه در شناسایی و مدیریت ذی‌نفعان در سازمان بسیار پیچیده است؛ زیرا در این نظریه، فرض بر این است که همهٔ ذی‌نفعان می‌توانند به‌طورمستقیم بر عملکرد سازمان تأثیر بگذارند و همچنین تحت تأثیر اهداف آن قرار گیرند؛ البته بدیهی است که همهٔ ذی‌نفعان نمی‌توانند به‌طور مستقیم بر عملکرد یک سازمان تأثیر بگذارند. بنابراین، رویکردهای پیشین به مسئلهٔ ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی، کاستی‌هایی دارد که در این زمینه خلأ پژوهشی ایجاد کرده است. بر اساس آنچه بیان شد، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- ذی‌نفعان اصلی حاکمیت شرکتی در سازمان‌های مورد مطالعه این پژوهش چگونه دسته‌بندی می‌شوند و چه ویژگی‌های رفتاری‌ای دارند؟

1. Freeman

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- الگوی حاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی با نقش رفتاری ذی‌نفعان چگونه است و چه ابعادی دارد؟
- روابط و تأثیرپذیری ارکان الگوی حاکمیت شرکتی به چه صورت است؟

طبق نتایج این پژوهش شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و مدیریتی، شرایط علّی در الگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی شناخته شده‌اند و روی الگوی رفتاری ذی‌نفعان تأثیر مستقی دارند. همچنین مشاهده شد که شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع و عوامل زمینه‌ای الگوهای رفتاری ذی‌نفعان، شامل عدم قطعیت محیطی، فرهنگ ملی، سازوکارهای کنترلی و پیچیدگی سازمانی، بر راهبردهای بهبود الگوی حاکمیت شرکتی تأثیر معکوسی نشان داده‌اند. از طرفی، نتایج نشان می‌دهد که رابطهٔ تأثیرگذاری رفتار ذی‌نفعان با راهبردهای بهبود منفی است؛ از این رو برایند رفتاری ذی‌نفعان در این شرکت‌ها، در راستای راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی نبوده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر روش‌شناختی، یک مطالعه با رویکرد آمیخته است که دو شیوهٔ مطالعات کیفی و کمّی را در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش به‌کار می‌گیرد. در رویکرد کیفی، به شناسایی شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان این حوزه بهره گرفته شده است. در بخش کمّی پژوهش نیز با استفاده از ابزارهای تحلیل آماری مناسب به اعتبارسنجی الگوی شناسایی شده از مصاحبه با خبرگان پرداخته شده است.

پارادایم حاکم بر طرح پژوهش حاضر، مبتنی بر نظریهٔ زمینه‌بنیاد[1] است. بنابراین با رویکرد کل به جزء در هریک از اجزای پارادایم نظریهٔ زمینه‌بنیاد (شرایط علّی، عوامل زمینه‌ای، مقولهٔ محوری، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها)، شاخص‌هایی بر پایهٔ نظرهای خبرگان شناسایی شد. مقوله‌های اصلی الگوی پژوهش، مشتمل بر ۶ مقولهٔ اصلی نظریهٔ زمینه‌بنیاد است که عبارت‌اند از: شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، مقولهٔ محوری، راهبردها و پیامدها. در هر مقولهٔ اصلی، رویکرد جزء به کل اتخاذ شده است؛ به این صورت که در راستای تبیین شاخص‌ها و کدهای محوری هر مقولهٔ اصلی، ابتدا کدگذاری باز روی متن مصاحبهٔ خبرگان انجام گرفت؛ سپس کدهای محوری بر پایهٔ کدهای باز شناسایی شده تعیین شدند. تجمیع کدهای محوری شناسایی شده از کدهای باز، به شناسایی مقوله‌های فرعیِ هر یک از مقوله‌های اصلی انجامید. بنابراین، در گام اول طراحی الگو، با رویکرد کل به جزء، ابتدا مقوله‌های اصلی الگو، مبتنی بر نظریهٔ زمینه‌بنیاد شناسایی شدند؛ سپس در هریک از مقوله‌های اصلی، با رویکرد جزء به کل، به تشخیص کدهای محوری و سپس مقوله‌های فرعی پرداخته شد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش در بخش کیفی، شامل افراد خبره و صاحب‌نظران دانشگاهی و خبرگان متخصص شاغل در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی بودند. مصاحبه با جامعهٔ خبرگان تا مرحلهٔ اشباع نظری در مصاحبهٔ یازدهم، برای هریک از گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی و شناسایی شاخص‌های رفتاری این گروه‌ها و به شیوه نمونه گیری هدفمند انجام شد. بر این اساس با ۱۵ نفر از خبرگان، مصاحبه به‌عمل آمد و طی

1. Grounded theory

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فرایند تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، به شناسایی شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع در سازمان تأمین اجتماعی اقدام شد. معیارهای انتخاب خبرگان در بخش کیفی پژوهش، تجربهٔ بالای ۱۵ سال، تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر و فعالیت در حوزه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های مدیریتی بوده است. برخی از پرسش‌های پروتکل مصاحبه بدین شرح بود: نحوهٔ تصمیم‌گیری شما در سازمان تأمین اجتماعی و رابطهٔ آن با حکمرانی شرکتی چگونه بوده است؟ علت‌های ناکارآمدی شرکت‌های سازمان تأمین اجتماعی و بروز بحران مالی در صندوق‌ها چیست؟ ذی‌نفعان چه کسانی هستند؟ هدف‌گذاری‌ها با چه انگیزه‌ای است؟ انگیزه‌های ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری چیست؟ نقش دولت و مداخله‌های دولت در هدف‌گذاری، حل تعارض، تصمیم‌گیری در سازمان تأمین اجتماعی چگونه است؟ راه‌کارهای بهبود عملکرد چه می‌تواند باشد؟

تحلیل داده‌های مربوط به مصاحبه‌ها، به روش کدگذاری براساس مراحل روش داده‌بنیاد و با استفاده از نرم‌افزار مکس‌کیودا صورت گرفت که به شکل‌گیری الگوی اولیه، مبتنی بر نظریهٔ زمینه‌بنیاد منجر شد. برای محاسبهٔ پایایی بازآزمون، مصاحبه‌های انجام گرفته در یک فاصلهٔ زمانی کوتاه و مشخص، دوباره کدگذاری و سپس کدهای مشخص شده در دو فاصلهٔ زمانی با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند. جدول ۳ برآورد پایایی کدگذاری را به تفکیک هریک از مصاحبه‌های انجام گرفته نشان می‌دهد.

جدول ۳. پایایی بازآزمون کدگذاری‌های مصاحبه

کد مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق‌ها	تعداد عدم توافق‌ها	پایایی بازآزمون
I۱	۳۶	۲۳	۱۳	۰/۶۳۸۸
I۲	۴۲	۳۴	۸	۰/۸۰۹۵
I۳	۲۸	۱۹	۹	۰/۶۷۸۵
I۴	۵۱	۴۳	۸	۰/۸۴۳۱
I۵	۴۷	۴۰	۷	۰/۸۵۱۰
I۶	۴۰	۳۶	۴	۰/۹۰
I۷	۲۷	۲۲	۵	۰/۸۱۴۸
I۸	۳۱	۲۹	۲	۰/۹۳۵۴
I۹	۴۲	۳۵	۷	۰/۸۳۳۳
I۱۰	۲۷	۲۱	۶	۰/۷۷۷۸
I۱۱	۳۴	۲۴	۱۰	۰/۷۰۵۸
I۱۲	۵۳	۴۶	۷	۰/۸۶۷۹
I۱۳	۴۹	۴۱	۸	۰/۸۳۶۷
I۱۴	۴۶	۳۹	۷	۰/۸۴۷۸
I۱۵	۳۸	۲۷	۱۱	۰/۷۱۰۵
کل	۵۹۱	۴۷۹	۱۱۲	۰/۸۱۰۵

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با توجه به نتایج جدول ۳، پایایی بازآزمون برای تمامی مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از مقدار ۰/۶ و گویای پایایی کدگذاری تحقیق است.

در بخش کمّی پژوهش، از پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. در این پرسش‌نامه، مؤلفه‌های نهایی شناسایی شده از تحلیل زمینه‌بنیاد و فرایند غربالگری شاخص‌ها، بر اساس نظرهای خبرگان ارزیابی شدند. در این پرسش‌نامه، شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع در حاکمیت شرکتی سؤال شد. به‌منظور سنجش هریک از این عوامل، از پرسش‌نامه‌ای با پاسخ‌های بسته، در قالب مقیاس پنج ارزشی لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) بهره گرفته شد و الگوی رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی، در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی را در قالب ۶ مقولهٔ اصلی (مبتنی بر تئوری زمینه‌بنیاد) و مقوله‌های فرعی متناظر، مورد سنجش قرار داد. به‌منظور تأیید روایی پرسش‌نامه در راستای سنجش شاخص‌ها، مقوله‌های فرعی و اصلی (یا همان سازه‌ها)، روایی هم‌گرا و واگرای پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. روایی پرسش‌نامه نیز از طریق برآورد آلفای کرونباخ و پایایی مرکب پرسش‌نامه نهایی ارزیابی شد که نتایج در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ٤. پایایی مقوله‌های شناسایی شده در پرسش‌نامه

مقولهٔ اصلی	مقوله‌های فرعی	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (CR)
شرایط علّی اثرگذار بر الگوی رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی	عوامل اقتصادی	۰/۸۴۳	۰/۸۹۴
	عوامل اجتماعی	۰/۶۹۶	۰/۸۶۶
	عوامل قانونی	۰/۹۱۰	۰/۹۳۳
	عوامل مدیریتی	۰/۸۲۰	۰/۸۹۳
شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر الگوی رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی	سازوکارهای کنترلی	۰/۸۱۲	۰/۸۸۸
	فرهنگ ملی	۰/۸۲۴	۰/۸۹۱
	پیچیدگی سازمانی	۰/۸۱۵	۰/۸۸۹
	عدم قطعیت محیطی	۰/۸۷۷	۰/۹۱۵
مقوله/ پدیده محوری (ساختار کلی گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی)	سهامداران	۰/۹۰۵	۰/۹۲۳
	ذی‌نفعان نهادی	۰/۹۲۶	۰/۹۴۰
	دولت	۰/۸۸۱	۰/۹۲۶
	ذی‌نفعان اقتصادی	۰/۹۲۶	۰/۹۳۹
	ذی‌نفعان سیاسی	۰/۹۵۴	۰/۹۶۱
	شبکه اجتماعی	۰/۹۳۲	۰/۹۴۳
شرایط مداخله‌گر در اثربخشی گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی	ائتلاف‌های سیاسی	۰/۸۴۲	۰/۸۷۱
	نقش هیئت‌مدیره	۰/۸۲۶	۰/۸۹۵
	رویکرد دولت	۰/۸۸۱	۰/۹۲۶
	جامعه	۰/۸۳۲	۰/۸۸۷

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقولهٔ اصلی	مقوله‌های فرعی	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب (CR)
راهبردهای بهبود کیفی حاکمیت شرکتی	نظارت	۰/۸۷۸	۰/۹۱۶
	پایش ارزش	۰/۸۸۶	۰/۹۲۲
	یکپارچه‌سازی منافع	۰/۸۹۰	۰/۹۲۳
	پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۸۶۰	۰/۹۱۴
پیامدهای بهبود کیفی حاکمیت شرکتی	نتایج	۰/۸۱۶	۰/۸۷۸
	خلق ارزش	۰/۸۸۶	۰/۹۲۲
	تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۸۱۱	۰/۸۸۸
	پایداری	۰/۸۲۵	۰/۸۹۵

به‌منظور اعتبارسنجی ذی‌نفعان و شاخص‌های رفتاری شناسایی شده آنان، از نظر متخصصان و مدیران ارشد و میانی شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی بهره گرفته شد. تعداد این افراد که جامعهٔ آماری بخش کمّی پژوهش را تشکیل می‌دادند ۴۵۱ نفر بود که با استناد به رابطهٔ نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۲۰۷ نفر از آن‌ها، به‌شیوهٔ غیراحتمالی در دسترس و به‌عنوان نمونهٔ آماری بخش کمی پژوهش انتخاب شد . برای اعتبارسنجی شاخص‌های رفتاری شناسایی شده در الگو، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در این بخش با استفاده از نرم‌افزار آماری R انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش و پیرو انجام مراحل کدگذاری، تعداد ۲۶ مؤلفه اولیه (مقوله فرعی) در الگوی رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی شناسایی شد. در این راستا، ابتدا مقولهٔ ابتدایی پارادایم نظریه زمینه‌بنیاد، یعنی شرایط علّی اثرگذار بر الگوی رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گرفت. مقوله‌های اصلی، فرعی و کدهای محوری شناسایی شده برای تبیین الگوی رفتاری ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، مبتنی بر تئوری زمینه‌بنیاد، مطابق با جدول ۵ به‌دست آمدند.

همان طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، شرایط علّی اثرگذار برالگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی، با استفاده از ۴ مقولهٔ فرعی قابل تبیین است: عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل قانونی و عوامل مدیریتی. مقولهٔ محوری پژوهش که تبیین‌کنندهٔ الگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی است، با استفاده از ۶ مقوله فرعیِ سهام‌داران، ذی‌نفعان نهادی، دولت، ذی‌نفعان اقتصادی، ذی‌نفعان سیاسی و شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. کدهای محوری، همان شاخص‌های رفتاری شناسایی شده برای ذی‌نفعان هستند که در ستون آخر سمت چپ جدول ۵ برای پدیدهٔ محوری ذی‌نفعان به تفکیک مشخص شدند که برای اکثر ذی‌نفعان مشترک هستند، ولی مواردی هم خاص یک گروه ذی‌نفع هستند. برای مثال شاخص یا کد محوری افزایش ثروت برای سهام‌داران، ذی‌نفعان نهادی کاهش هزینهٔ نمایندگی، دولت برنامهٔ توسعه را می‌توان نام برد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۵. مقوله‌های اصلی، فرعی و کدهای محوری استخراج شده از مطالعه حاکمیت شرکتی درسازمان تأمین اجتماعی

مقولهٔ اصلی	ابعاد/مقوله‌های فرعی	شاخص‌ها/ کدهای محوری
شرایط علّی اثرگذار بر رفتارذی‌نفعان در الگوی حاکمیت شرکتی	عوامل اقتصادی	کمبود منابع، هزینه‌های تصمیم‌گیری، رقابت پذیری، هدفگذاری مالی
	عوامل اجتماعی	جامعه و مردم، اعتماد عمومی
	عوامل قانونی	تضاد منافع، قانون حمایت از سهامداران، قوانین تجاری، سیاست‌های کلان، قوانین نظارتی
	عوامل مدیریتی	تعصبات فردی، قدرت مدیران اجرایی، استقلال مدیران
مقوله/پدیده محوری (شناسایی ذی‌نفعان و شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی ایران)	سهامداران	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی درهیئت‌مدیره، افزایش ثروت،
	ذی‌نفعان نهادی	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی در هیئت‌مدیره، کاهش هزینهٔ نمایندگی، تقارن اطلاعاتی
	دولت	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی در هیئت‌مدیره، برنامهٔ توسعه، سیاست‌گذاری کلان
	ذی‌نفعان اقتصادی	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی در هیئت‌مدیره، افزایش ثروت، رشد، رقابت‌پذیری
	ذی‌نفعان سیاسی	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی در هیئت‌مدیره، اهداف ائتلافی، افزایش نفوذ، قدرت سیاسی
	شبکه‌های اجتماعی	روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی اجتماعی، منافع عمومی، دسترسی به منابع
شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر الگوی حاکمیت شرکتی رفتاری درسازمان تأمین اجتماعی	سازوکارهای کنترلی	کیفیت نظارت هیئت‌مدیره، کیفیت نظارت‌های قانونی، حسابرسی داخلی
	فرهنگ ملی	فرهنگ سازمانی، اخلاق محوری، قانون‌مداری،
	پیچیدگی سازمانی	پیچیدگی ساختار سازمانی، پیچیدگی فرایندها، پیچیدگی‌های قانونی
	عدم قطعیت محیطی	تحولات سیاسی، تحولات اجتماعی، تغییرات قوانین، ثبات اقتصادی

Archive of SID.ir

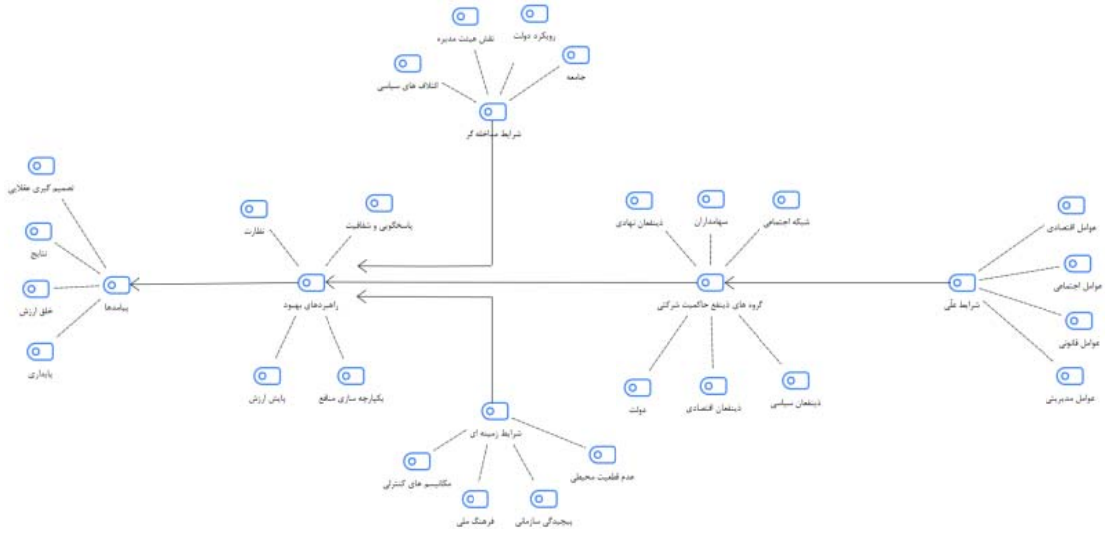
Archive of SID.ir

مقولهٔ اصلی	ابعاد/مقوله‌های فرعی	شاخص‌ها/ کدهای محوری
شرایط مداخله‌گر در اثربخشی گروه‌های ذی‌نفع درحاکمیت شرکتی در سازمان	ائتلاف‌های سیاسی	چانه‌زنی، اهداف حزبی/گروهی، اتحادیه‌های تجاری
	نقش هیئت‌مدیره	حل مسئله، پایش و نظارت، راهبری و راهبردی
	رویکرد دولت	تسهیلگری، مداخله در تصمیمات، نفوذ در ساختار
	جامعه	جمع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رفتارسیاسی، مطالبه‌گری
راهبردهای بهبود کیفی حاکمیت شرکتی در سازمان مبتنی بر الگوهای رفتاری	نظارت	ممیزی داخلی، انتصابات، مدیریت ریسک، حسابرسی خارجی
	پایش ارزش	پایش اثربخشی مدیریت، برنامه‌ریزی استراتژیک، به‌روزرسانی دانش، رعایت حقوق سهام‌داران
	یکپارچه‌سازی منافع	یکپارچگی اهداف، یکپارچگی فعالیت‌ها، یکپارچگی ارزش‌ها، اعتمادسازی
	پاسخ‌گویی و شفافیت	کیفیت افشا، شفافیت مالی، مطالعات معیار
پیامدهای بهبود کیفی حاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی	نتایج	شهرت، تعهد سازمانی، نتایج مالی
	خلق ارزش	ارزش برند، ارزش مشتری، ارزش سازمانی، عدالت محوری، شکوفایی
	تصمیم‌گیری عقلایی	سودمندی، ساختارمندی، بی‌طرفی
	پایداری	سازمان آینده‌نگر، توسعهٔ پایدار، تاب‌آوری

شرایط زمینه‌ای مؤثر بر الگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، با استفاده از ۴ مقوله فرعی: سازوکارهای کنترلی، فرهنگ ملی، پیچیدگی سازمانی و عدم قطعیت محیطی قابل تبیین است. شرایط مداخله‌گر در الگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، با استفاده از ۴ مقوله فرعی تبیین می‌شود: ائتلاف‌ها، هیئت‌مدیره، رویکرد دولت و جامعه. راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی بر پایهٔ الگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، با استفاده از ۵ مقوله فرعی تبیین می‌شود: نظارت، پایش ارزش، یکپارچه‌سازی منافع، پاسخ‌گویی و شفافیت. در نهایت، پیامدهای بهبود حاکمیت شرکتی بر پایه الگوهای رفتاری ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی نیز با استفاده از ۴ مقوله فرعیِ نتایج، خلق ارزش، تصمیم‌گیری عقلایی و پایداری تبیین می‌شود. با توجه به ساختار کلی هریک از اجزای الگو کلی تحقیق، پارادایم نظریهٔ زمینه‌بنیاد، بر اساس مقوله‌های اصلی این پارادایم و مقوله‌های فرعی شناسایی شده آن‌ها به‌صورت شکل ۱ ترسیم شده است.

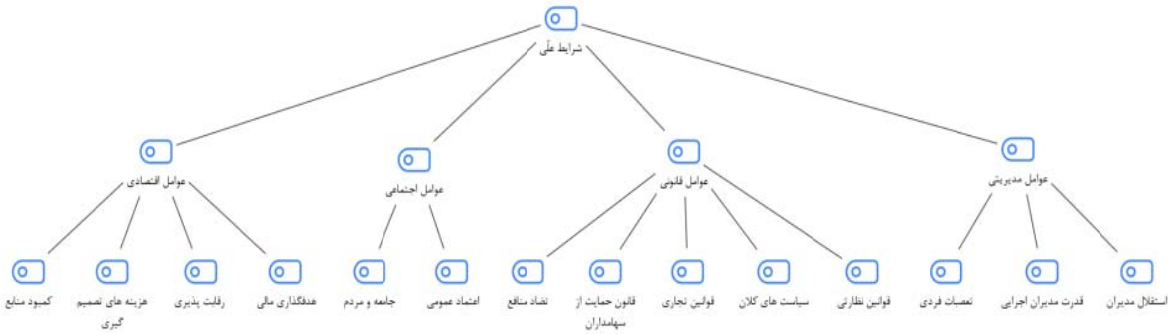
Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



شکل ۱. الگوی کلی حاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته مبتنی بر روش نظریهٔ زمینه‌بنیاد

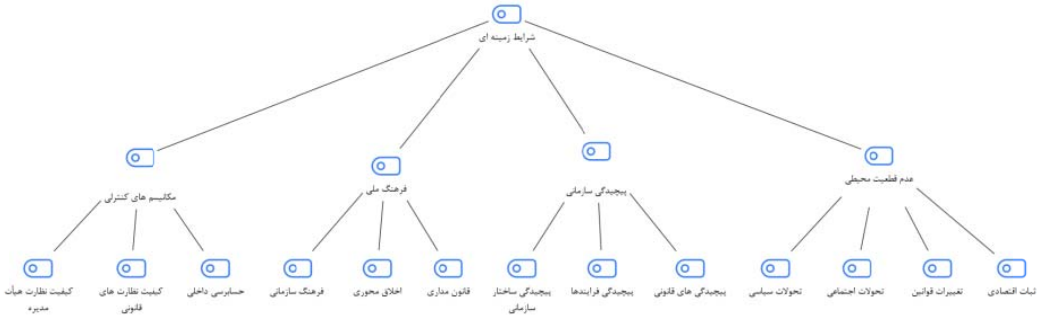
هریک از مقوله‌های اصلی این الگو، از طریق مقوله‌های فرعی و شاخص‌های مربوط به آن (کدهای محوری) سنجیده می‌شوند. شکل‌های ۲ تا ۷، نحوه تبیین هریک از مقوله‌های اصلی الگو را بر پایه مقوله‌های فرعی و کدهای محوری آن‌ها نشان می‌دهد. شکل ۴، نمایی کلی از الگوی رفتاری ذی‌نفعان است که شاخص‌های رفتاری مشترک آن‌ها را در الگوی حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد. این شاخص‌های مشترک رفتاری، شامل روابط قدرت ـ سیاست، چانه‌زنی، اعتمادسازی، تصمیم‌گیری، تعیین هدف و حل تعارض است که ذی‌نفعان در تعامل با سازمان این ویژگی‌های رفتاری را از خود بروز می‌دهند و شکل‌دهندهٔ برایند اثرمحوری ذی‌نفعان در الگوی حاکمیت شرکتی نظریه‌بنیاد است.



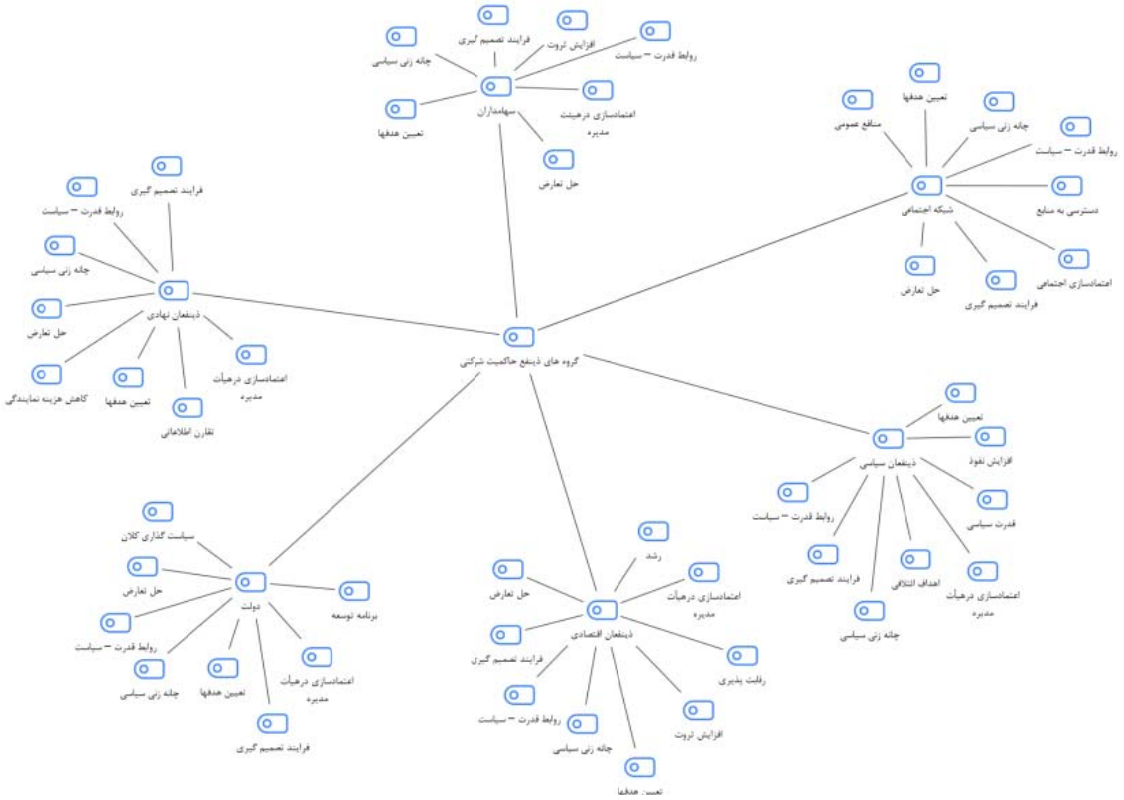
شکل ۲. ساختار کلی شرایط علّی اثرگذار بر شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی درالگوی حاکمیت شرکتی

Archive of SID.ir

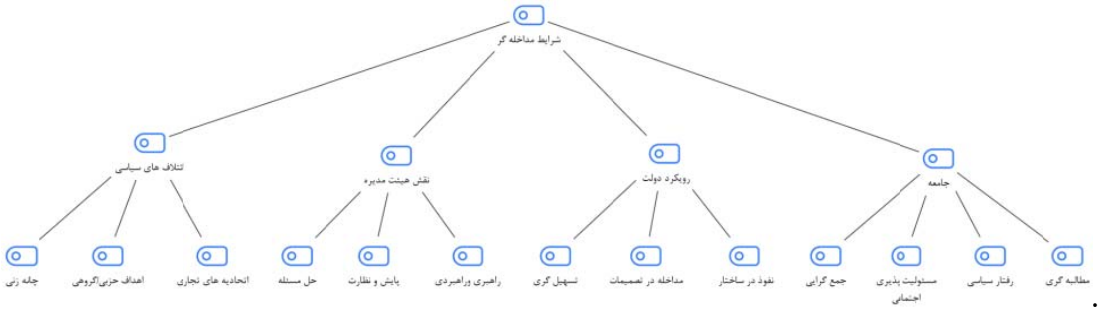
Archive of SID.ir



شکل ۳. ساختار کلی شرایط زمینه‌ای مؤثر برحاکمیت شرکتی در سازمان تأمین اجتماعی ایران



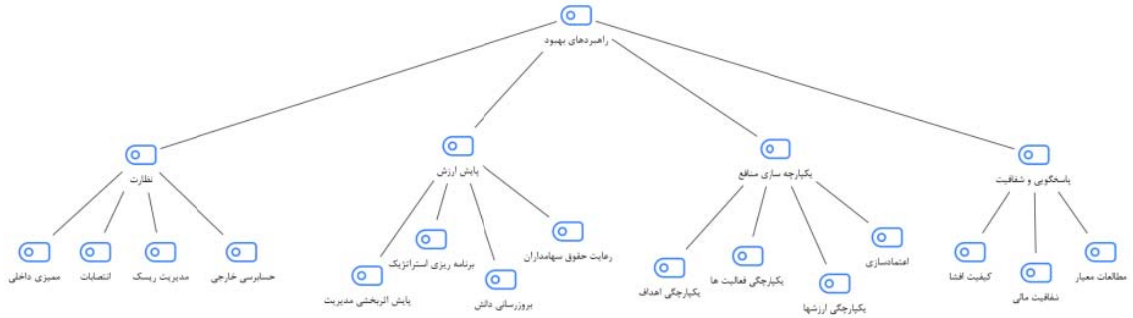
شکل ٤. ساختار کلی مقوله محوری (الگوی رفتاری) ذی‌نفعان درسازمان تأمین اجتماعی ایران



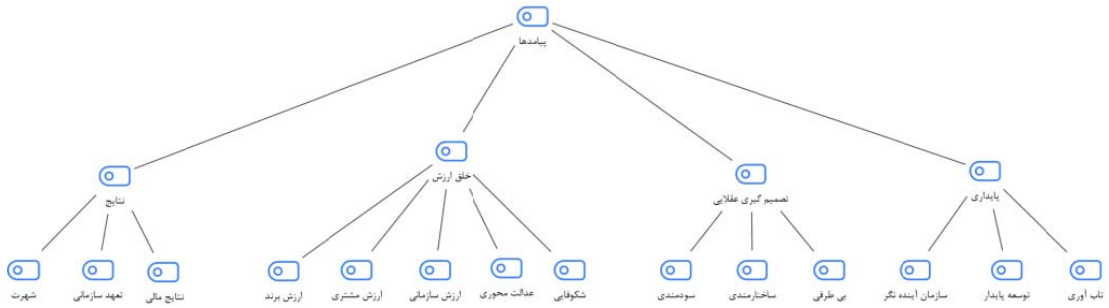
شکل ۵. ساختار کلی شرایط مداخله‌گر در الگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



شکل ٦. ساختار کلی راهبردهای بهبود در الگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران



شکل ۷. ساختار کلی پیامدهای بهبود در الگوی حاکمیت شرکتی درسازمان تأمین اجتماعی ایران

همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، به‌منظور روایی سنجی شاخص‌ها و مقوله‌های استخراج شده از فرایند مصاحبه با خبرگان، از توزیع پرسش‌نامه در میان مدیران بهره گرفته شد و بر پایه نظرهای ایشان، قابلیت انطباق مفاهیم شناسایی شده با فضای واقعی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه، هر یک از مقوله‌ها بر پایه کدهای محوری متناظر آن‌ها روایی‌سنجی شدند. جدول ۶، میانگین واریانس‌های استخراج شده (AVE)[1] برای تمامی مقوله‌ها را در راستای سنجش روایی هم‌گرای سازه‌های الگو نشان می‌دهد. این مقادیر بالاتر از ۰/۶ به‌دست آمد؛ از این رو پرسش‌نامه تحقیق دارای روایی هم‌گرا است.

برای این منظور میزان اشتراک یا هم‌گرایی مفهومی پرسش‌های هر متغیر با پرسش‌های سایر متغیرها مقایسه شدند. در این راستا، از شاخص چندخصیصه ـ یک خصیصه (HTMT)[2] بهره گرفته شد. جدول ۶ نتایج برآورد ضرایب HTMT را برای هر زوج از مقوله‌های فرعی الگوی تحقیق نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ضرایب ممیزی HTMT برای هر زوج متغیر مورد مقایسه از الگوی پژوهش، از مقدار تجربی قابل قبول ۰/۹ کمتر است، می‌توان پذیرفت که بین سازه‌های اصلی الگو، روایی واگرا وجود دارد و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش هریک از مقوله‌های فرعی، دارای واگرایی مفهومی از شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سایر مقوله‌ها بوده‌اند. بنابراین، روایی واگرای سازه‌های الگو نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

1. Average Variance Extracted (AVE)
2. Homo Trait-Mono Trait (HTMT)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ٦. ماتریس سنجش روایی هم‌گرا (AVE) و واگرای متغیرهای فرعی (شاخص HTMT)

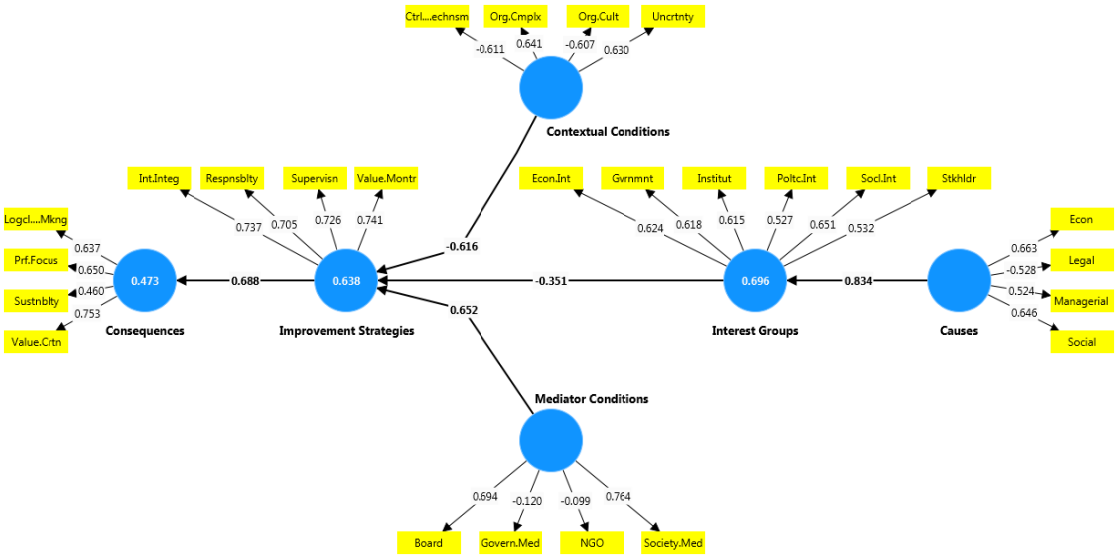
متغیرها	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱٤	۱٥	۱٦	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲٤	۲٥	AVE
نقش هیئت مدیره																										۰/۷۳۹
عوامل اقتصادی	۰/۰۷۳																									۰/۶۷۹
ذی‌نفعان اقتصادی	۰/۲۴۵	۰/۳۲۷																								۰/۶۵۸
رویکرد دولت	۰/۱۴۱	۰/۱۳۲	۰/۱۲۹																							۰/۸۰۶
دولت	۰/۴۶۶	۰/۴۰۵	۰/۲۱۱	۰/۱۳۷																						۰/۸۰۶
ذی‌نفعان نهادی	۰/۱۸۷	۰/۳۸۴	۰/۳۱۴	۰/۱۵۴	۰/۲۴۵																					۰/۶۹۳
یکپارچه سازی منافع	۰/۳۷۰	۰/۰۸۲	۰/۳۰۲	۰/۱۷۰	۰/۳۰۸	۰/۳۰۲																				۰/۷۵۱
عوامل قانونی	۰/۰۵۵	۰/۰۸۰	۰/۳۷۶	۰/۰۵۱	۰/۴۶۳	۰/۳۲۴	۰/۱۲۲																			۰/۷۳۵
تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۰۷۹	۰/۲۱۷	۰/۰۶۸	۰/۱۳۳	۰/۳۰۳	۰/۰۶۲	۰/۲۹۳	۰/۱۴۴																		۰/۷۲۶
عوامل مدیریتی	۰/۰۶۹	۰/۳۱۱	۰/۲۸۲	۰/۰۸۵	۰/۳۳۴	۰/۲۸۶	۰/۰۷۵	۰/۱۰۱	۰/۱۶۷																	۰/۷۳۶
ائتلاف‌های سیاسی	۰/۰۹۳	۰/۱۰۸	۰/۱۲۲	۰/۴۸۰	۰/۱۸۳	۰/۴۶۴	۰/۰۷۷	۰/۰۸۱	۰/۱۲۴	۰/۱۲۳																۰/۶۹۸
پیچیدگی سازمانی	۰/۱۰۵	۰/۲۸۸	۰/۳۱۱	۰/۰۹۰	۰/۲۹۱	۰/۴۲۸	۰/۳۰۹	۰/۱۹۸	۰/۰۴۱	۰/۱۵۳	۰/۰۸۷															۰/۷۲۸
فرهنگ ملی	۰/۰۴۶	۰/۱۹۶	۰/۳۹۳	۰/۱۶۷	۰/۲۵۳	۰/۳۰۴	۰/۱۷۱	۰/۰۸۷	۰/۰۷۵	۰/۱۵۶	۰/۰۷۵	۰/۲۳۰														۰/۷۳۲
ذی‌نفعان سیاسی	۰/۳۵۹	۰/۳۳۲	۰/۰۹۷	۰/۰۷۹	۰/۴۱۴	۰/۱۵۹	۰/۲۸۹	۰/۴۰۶	۰/۲۹۰	۰/۲۵۸	۰/۱۶۸	۰/۲۹۵	۰/۲۲۹													۰/۷۳۱
نتایج	۰/۰۸۰	۰/۰۷۵	۰/۲۰۴	۰/۱۱۰	۰/۲۰۵	۰/۱۵۱	۰/۳۵۲	۰/۰۶۶	۰/۲۳۹	۰/۱۰۱	۰/۱۱۶	۰/۱۴۵	۰/۱۰۸	۰/۲۴۷												۰/۶۴۳
پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۳۴۹	۰/۱۰۱	۰/۲۲۴	۰/۲۲۸	۰/۲۹۴	۰/۱۴۹	۰/۴۰۳	۰/۰۹۱	۰/۳۱۱	۰/۰۵۶	۰/۰۹۱	۰/۱۲۹	۰/۲۱۰	۰/۳۰۷	۰/۳۳۶											۰/۷۸۱
عوامل اجتماعی	۰/۰۷۱	۰/۳۳۱	۰/۳۴۸	۰/۱۰۰	۰/۲۶۶	۰/۲۱۴	۰/۰۶۲	۰/۱۱۱	۰/۱۲۷	۰/۳۱۲	۰/۰۸۲	۰/۳۹۶	۰/۲۷۱	۰/۴۱۰	۰/۱۰۴	۰/۰۶۹										۰/۷۶۴
جامعه	۰/۲۳۵	۰/۰۶۳	۰/۳۱۲	۰/۲۱۵	۰/۴۹۶	۰/۳۱۵	۰/۴۵۷	۰/۰۶۹	۰/۰۶۹	۰/۱۳۴	۰/۱۴۴	۰/۱۵۸	۰/۰۹۴	۰/۲۷۹	۰/۱۶۶	۰/۴۵۹	۰/۱۹۷									۰/۶۶۳
شبکه اجتماعی	۰/۱۵۴	۰/۳۷۷	۰/۳۷۱	۰/۱۲۴	۰/۲۹۹	۰/۲۹۳	۰/۲۵۶	۰/۴۰۴	۰/۰۶۱	۰/۱۹۵	۰/۰۸۳	۰/۴۵۷	۰/۳۴۶	۰/۲۱۲	۰/۱۲۸	۰/۲۰۳	۰/۲۳۹	۰/۱۴۷								۰/۶۴۸
سهام‌داران	۰/۱۴۴	۰/۲۶۴	۰/۲۸۳	۰/۰۹۵	۰/۲۰۹	۰/۲۲۲	۰/۱۳۳	۰/۲۲۳	۰/۱۱۹	۰/۲۷۹	۰/۱۹۳	۰/۳۱۴	۰/۲۶۰	۰/۱۶۴	۰/۱۰۴	۰/۱۵۳	۰/۳۹۶	۰/۲۲۶	۰/۱۹۱							۰/۶۰۱
پایداری	۰/۱۲۶	۰/۰۶۱	۰/۰۷۷	۰/۲۳۴	۰/۱۲۳	۰/۰۹۶	۰/۲۱۸	۰/۲۰۹	۰/۱۷۵	۰/۰۵۲	۰/۲۵۱	۰/۰۸۴	۰/۰۷۴	۰/۱۱۷	۰/۱۷۹	۰/۱۸۶	۰/۰۳۷	۰/۰۷۹	۰/۰۷۵	۰/۱۱۷						۰/۷۳۹
عدم قطعیت محیطی	۰/۰۳۳	۰/۱۴۲	۰/۴۶۲	۰/۰۸۱	۰/۲۳۶	۰/۳۷۱	۰/۲۰۲	۰/۲۳۳	۰/۰۵۱	۰/۱۹۵	۰/۰۵۹	۰/۳۸۰	۰/۱۵۰	۰/۳۵۶	۰/۰۷۳	۰/۱۱۷	۰/۲۵۹	۰/۰۷۱	۰/۳۸۴	۰/۰۶۷						۰/۷۲۸
خلق ارزش	۰/۰۷۸	۰/۰۸۴	۰/۱۶۷	۰/۱۰۰	۰/۲۹۴	۰/۰۷۷	۰/۴۲۰	۰/۰۴۳	۰/۳۲۷	۰/۱۱۸	۰/۰۷۲	۰/۱۷۸	۰/۰۹۹	۰/۱۶۶	۰/۳۰۸	۰/۴۴۰	۰/۱۱۳	۰/۰۸۲	۰/۱۰۴	۰/۱۸۳	۰/۰۶۹					۰/۷۴۷
پاسخ ارزش	۰/۲۱۴	۰/۰۷۱	۰/۳۰۰	۰/۱۳۷	۰/۲۱۸	۰/۱۹۱	۰/۴۱۱	۰/۰۸۴	۰/۴۱۸	۰/۰۸۲	۰/۱۰۴	۰/۲۱۰	۰/۲۲۵	۰/۳۶۱	۰/۴۹۲	۰/۴۸۱	۰/۰۹۷	۰/۴۰۹	۰/۳۰۶	۰/۲۵۶	۰/۲۹۱	۰/۲۲۷	۰/۴۲۳			۰/۷۴۷
مکانیسم کنترلی	۰/۰۸۲	۰/۱۳۰	۰/۳۱۷	۰/۱۰۵	۰/۲۵۴	۰/۲۶۱	۰/۱۸۳	۰/۲۱۷	۰/۱۲۴	۰/۰۸۵	۰/۰۹۴	۰/۱۱۱	۰/۳۴۲	۰/۲۳۰	۰/۰۹۵	۰/۲۰۵	۰/۱۴۲	۰/۴۱۵	۰/۳۵۱	۰/۰۸۲	۰/۱۴۵	۰/۰۶۶	۰/۳۱۵			۰/۷۲۵
نظارت	۰/۴۰۷	۰/۸۵	۰/۲۹۴	۰/۱۴۹	۰/۳۷۹	۰/۱۲۹	۰/۴۵۷	۰/۰۶۸	۰/۴۰۶	۰/۰۵۱	۰/۰۸۴	۰/۲۱۱	۰/۱۷۷	۰/۲۸۲	۰/۳۷۱	۰/۳۷۴	۰/۰۹۱	۰/۴۰۸	۰/۲۸۱	۰/۲۴۶	۰/۱۸۱	۰/۲۵۵	۰/۴۹۰	۰/۴۰۹	۰/۱۹۸	۰/۷۳۳

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در روایی واگرا، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر در الگو مقایسه می‌شود.

به‌منظور اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی، از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، به‌کمک الگوسازی معادلات ساختاری روی هریک از سازه‌ها و مقوله‌های فرعی استفاده شد. نتایج، اعتبار الگو را از منظر سازه‌ها و مقوله‌های فرعی مرتبط با الگوی رفتاری ذی‌نفعان بر اساس نظریهٔ زمینه‌بنیاد نشان داد. در این الگو، شرایط علّی به‌عنوان اولین عامل تأثیرگذار بر الگوی رفتاری ذی‌نفعان در نظر گرفته شده است. همچنین، فرض بر این است که الگوی رفتاری ذی‌نفعان، در کنار عوامل زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر، می‌توانند راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار دهند و در نهایت، بهبود حاکمیت شرکتی از طریق این راهبردها، به پیامدهایی در سازمان منجر خواهد شد که متغیر وابستهٔ نهایی الگوی حاکمیت شرکتی مبتنی بر رفتار ذی‌نفعان را تبیین می‌کند. در این تحلیل، هریک از مقوله‌های فرعی، به‌منظور سنجش مقوله‌های اصلی و به‌عنوان متغیرهای مشاهده شده در نظر گرفته شد. شکل ۸، نتایج برآورد ضرایب تأثیر این عوامل را روی یکدیگر نشان می‌دهد که در محیط اسمارت پی‌ال‌اس به‌دست آمد.



شکل ۸. ساختارکلی روابط سازه‌های الگوی حاکمیت شرکتی سازمان تأمین اجتماعی ایران و ضرایب تبینی (تأثیر) آن‌ها در تحلیل عاملی مرتبهٔ دوم

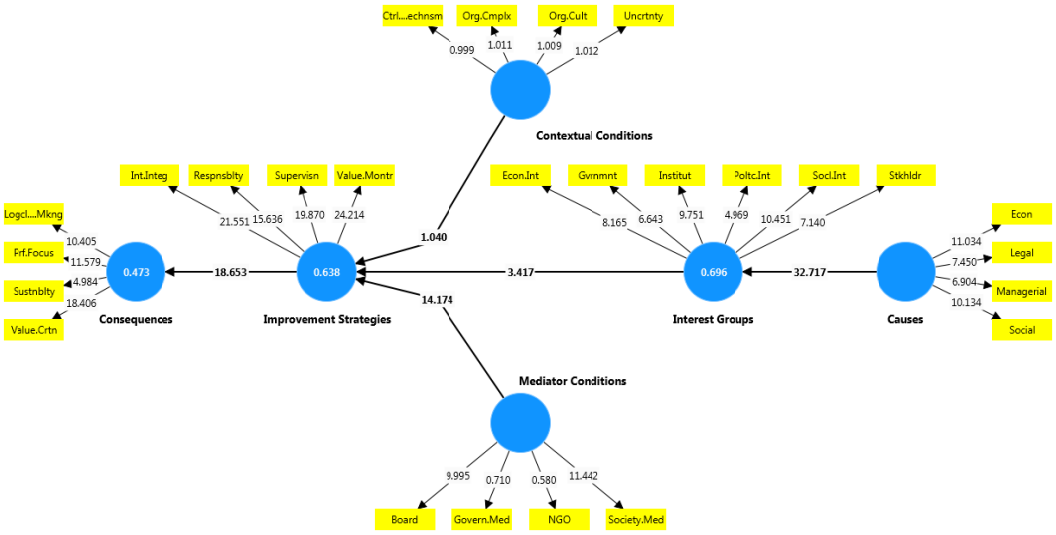
مطابق با نتایج شکل ۸ که با اجرای الگو در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس به‌دست آمد، مشاهده می‌شود که بر اساس نظرهای مدیران ارشد و میانی شرکت‌ها، در جهت تعیین وضعیت موجود هریک از مؤلفه‌های الگو، شرایط علّی تأثیر مستقیمی به‌اندازه ۰/۸۳۴ روی الگوهای رفتاری ذی‌نفعان داشته‌اند؛ به این معنا که شرایط علی در یک رابطهٔ خطی با ضریب نسبتی فوق، بر الگوی رفتاری ذی‌نفعان اثرگذار است. قابل درک است که شرایط اقتصادی، به‌خصوص اگر منابع اقتصادی محدود باشد، وقتی اقتصاد عاملی تعیین‌کننده بر روابط قدرت ـ سیاست است، بر ویژگی‌های رفتاری ذی‌نفعان اثر مستقیم دارد. شرایط مدیریتی به‌خصوص مدیران رابطه‌ای، به‌طور روشن بر ویژگی‌های رفتاری ذی‌نفعان اثرگذارند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شرایط قانونی از جمله خلأهای قانونی و تغییرات قوانین، باعث رقابت بین ذی‌نفعان یا تشدید روابط بین ذی‌نفعان ازجمله ذی‌نفعان سیاسی و دولت می‌شود.

همچنین مشاهده شد که شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع در سازمان مورد مطالعه و همچنین عوامل زمینه‌ای الگوهای رفتاری ذی‌نفعان، شامل عدم قطعیت محیطی، فرهنگ ملی (شکل ۸)، سازوکارهای کنترلی و پیچیدگی سازمانی، تأثیر معکوسی با نسبت ۰/۶۱۶- بر راهبردهای بهبود نشان داده است. از طرفی نتایج شکل ۸ نشان می‌دهد که نسبت رابطهٔ تأثیرگذاری بین رفتار ذی‌نفعان با راهبردهای بهبود ۰/۳۵۱- است؛ بنابراین برایند رفتاری ذی‌نفعان در این شرکت‌ها، در راستای راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی (مبتنی بر راهبردهای مورد مطالعه بهبود در این تحقیق) نیست. این مفهوم یکی از یافته‌های مهم پژوهش حاضر است و در واقع، ضرورت بازنگری و تنظیم روابط و نقش مرکب ذی‌نفعان در سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن، برای اثرگذاری مثبت در راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی را یادآوری می‌کند. شرایط مداخله‌گر، تأثیر مستقیمی بر راهبردهای بهبود داشته‌اند. عوامل مداخله‌گر شامل ائتلاف‌های سیاسی، رویکرد دولت، رویکرد جامعه و هیئت‌مدیره با رابطه مستقیم و مثبت با نسبت ۰/۶۵۲ بر راهبردهای بهبود اثرگذارند که البته در این مطالعه، اثر بار عاملی جامعه و هیئت‌مدیره، بیش از دو تای دیگر، یعنی رویکرد دولت و ائتلاف‌های سیاسی است.



شکل ۹. آزمون معناداری اثرهای عوامل در الگوی حاکمیت شرکتی ایران و سازمان تأمین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته

در نهایت مشاهده می‌شود که راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی با ضریب تأثیر ۰/۶۸۸، تأثیر مستقیمی بر پیامدهای بهبود داشته‌اند. یعنی می‌توان انتظار داشت که با پیاده‌سازی راهبردهای مورد مطالعه شامل نظارت، پایش ارزش، مسئولیت‌پذیری و یکپارچه‌سازی منافع، بتوان پیامدهای حاصل از این راهبردها را نیز تقویت کرد. نقش این چهار راهبرد با توجه به ضرایب بار عاملی، تقریباً مشابه است. پیامدها در واقع می‌توانند همان نتایج بهبود باشند که در تحلیل

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مضامین کدها، مقوله‌های مهمی حاصل شدند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: نتایج (نتایج عملکردی)، خلق ارزش، پایداری و تصمیم‌گیری عقلایی. به‌درستی قابل درک است که پایش ارزش در یک فرایند تصمیم‌گیری عقلایی، به خلق ارزش و پایداری بنگاه‌های سازمان تأمین اجتماعی منجر می‌شود. پایداری بنگاه در محیط پُرابهام، به‌معنای اثربخشی راهبردهاست و نتایج عملکری، شامل نتایج مالی و خوش‌نامی و تقویت برند در بازار و جامعه را به‌دنبال دارد. به‌منظور آزمون معناداری هریک از این اثرها، آزمون‌های معناداری ضرایب نیز انجام شده که نتایج آن در شکل ۹ نشان داده شده است.

مشاهده می‌شود که شرایط علّی تأثیر معنادار قابل توجهی بر شکل‌گیری الگوی رفتاری ذی‌نفعان دارد. الگوهای رفتاری ذی‌نفعان و شرایط مداخله‌گر نیز اثرهای معناداری بر راهبردهای بهبود داشته است؛ در حالی که شرایط زمینه‌ای، بر راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری نشان نمی‌دهد (ضریب معناداری معادل ۰/۲۹۸ که بیش از ۰/۰۵ است). شرایط مداخله‌گر در مقایسه با رفتار گروه‌های ذی‌نفع، بر راهبردهای بهبود تأثیر معنادارتری دارد. همچنین، راهبردهای بهبود نیز تأثیر معناداری بر پیامدهای حاکمیت شرکتی در سازمان داشته‌اند. جدول ۷ نتایج این آزمون‌ها را برای هریک از اثرهای مذکور نشان می‌دهد.

جدول ۷. آزمون معناداری اثرهای مستقیم عوامل در الگوی رفتاری ذی‌نفعان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
شرایط علّی	الگوهای رفتاری ذی‌نفعان	۰/۸۳۴	۳۲/۷۱۷	۰/۰۰۰
الگوی رفتاری ذی‌نفعان	راهبردهای بهبود	−۰/۳۵۱	۳/۴۱۷	۰/۰۰۱
شرایط زمینه‌ای	راهبردهای بهبود	−۰/۶۱۶	۱/۰۴۰	۰/۲۹۸
شرایط مداخله‌گر	راهبردهای بهبود	۰/۶۵۲	۱۴/۱۷۴	۰/۰۰۰۱
راهبردهای بهبود	پیامدهای حاکمیت شرکتی	۰/۶۸۸	۱۸/۶۵۳	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که شرایط علّی، شامل عوامل اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری روی شاخص‌های الگوی رفتاری ذی‌نفعان دارد. الگوی رفتاری ذی‌نفعان روی راهبردهای بهبود، تأثیر معکوس و معناداری نشان داده است. شرایط مداخله‌گر، بر راهبردهای بهبود تأثیر مستقیمی داشته است. راهبردها نیز به‌طور مستقیم و معنادار، پیامدهای حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار داده است. مقادیر آماره آزمون در جدول ۵ که گویای رابطهٔ بین ارکان الگوی حاکمیت شرکتی ذی‌نفعان است، به‌خوبی چگونگی رابطهٔ معنادار متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد که حاکی از تطابق الگوی به‌دست‌آمده با مفاهیم کاربردی مورد انتظار است. در این جدول شرایط زمینه‌ای رابطهٔ معناداری با راهبردهای بهبود (آماره آزمون ۱/۰۴۰) و همچنین سطح معناداری بالای ۰/۵۰ (۰/۲۹۸) ندارد. به‌منظور، تبیین شفاف‌تر اثرهای این عوامل روی یکدیگر و تشخیص کانون‌های اصلی اثرگذاری آن‌ها روی یکدیگر، تأثیر هریک از ابعاد این عوامل روی یکدیگر نیز مورد آزمون قرار گرفته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۸. آزمون تأثیر شرایط علّی بر شاخص‌های رفتاری گروه‌های ذی‌نفع

مسیر مورد آزمون	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
عوامل اقتصادی ← ذی‌نفعان اقتصادی	۰/۱۸۳	۳/۳۴۵	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی ← دولت	۰/۲۶۵	۴/۴۵۹	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی ← ذی‌نفعان نهادی	۰/۲۲۸	۳/۶۴۱	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی ← ذی‌نفعان سیاسی	۰/۱۹۴	۳/۴۹۰	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی ← شبکه اجتماعی	۰/۲۷۴	۴/۰۵۹	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی ← سهامداران	۰/۱۱۶	۱/۷۰۲	۰/۰۸۹
عوامل قانونی ← ذی‌نفعان اقتصادی	-۰/۳۳۰	۴/۹۴۹	۰/۰۰۰
عوامل قانونی ← دولت	-۰/۴۲۳	۷/۳۹۹	۰/۰۰۰
عوامل قانونی ← ذی‌نفعان نهادی	-۰/۲۷۶	۴/۶۳۷	۰/۰۰۰
عوامل قانونی ← ذی‌نفعان سیاسی	-۰/۳۵۷	۶/۰۳۷	۰/۰۰۰
عوامل قانونی ← شبکه اجتماعی	-۰/۳۵۹	۶/۳۳۴	۰/۰۰۰
عوامل قانونی ← سهامداران	-۰/۱۸۱	۲/۷۵۲	۰/۰۰۶
عوامل مدیریتی ← ذی‌نفعان اقتصادی	۰/۱۸۱	۳/۲۳۸	۰/۰۰۱
عوامل مدیریتی ← دولت	۰/۲۳۹	۳/۷۹۲	۰/۰۰۰
عوامل مدیریتی ← ذی‌نفعان نهادی	۰/۱۵۸	۲/۴۴۵	۰/۰۱۵
عوامل مدیریتی ← ذی‌نفعان سیاسی	۰/۱۵۰	۲/۷۲۷	۰/۰۰۶
عوامل مدیریتی ← شبکه‌های اجتماعی	۰/۱۰۸	۱/۷۹۸	۰/۰۷۲
عوامل مدیریتی ← سهامداران	۰/۱۷۲	۲/۴۴۶	۰/۰۱۴
عوامل اجتماعی ← ذی‌نفعان اقتصادی	۰/۱۶۴	۲/۸۰۴	۰/۰۰۵
عوامل اجتماعی ← دولت	۰/۰۴۷	۰/۷۴۳	۰/۴۵۸
عوامل اجتماعی ← ذی‌نفعان نهادی	۰/۲۱۱	۳/۴۷۵	۰/۰۰۱
عوامل اجتماعی ← ذی‌نفعان سیاسی	۰/۲۲۱	۳/۶۵۳	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی ← شبکه اجتماعی	۰/۰۶۶	۳/۱۰۷	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی ← سهامداران	۰/۲۴۴	۳/۹۳۲	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۸ مشاهده می‌شود که عوامل اقتصادی به‌جز سهامداران (p-value = ۰/۰۸۹) روی الگوی رفتاری سایر گروه‌های ذی‌نفع تأثیر مستقیم و معناداری داشته‌اند. عوامل قانونی روی شاخص‌های رفتاری تمامی گروه‌های ذی‌نفع تأثیرگذاری معکوس و معناداری نشان داده‌اند. عوامل مدیریتی به‌جز شبکه‌های اجتماعی (p-value = ۰/۰۷۲) روی الگوی رفتاری سایر گروه‌های ذی‌نفع، تأثیر مستقیم و معناداری داشته‌اند. عوامل اجتماعی نیز به‌جز دولت (p-value = ۰/۴۵۸)، شاخص رفتاری سایر گروه‌های ذی‌نفع را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده‌اند. یافته‌های کلی این جدول

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نشان می‌دهد که عوامل قانونی برخلاف سایر عوامل علّی، تأثیر معکوس بر ویژگی‌های رفتاری کنونی گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی داشته‌اند و این نشان می‌دهد که زمینه‌های قانونی برای شکل‌گیری الگوی رفتاری مطلوب توسط ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه، هم‌سو با الگوهای مثبت مورد مطالعه نبوده است. بنابراین، ضعف در قوانین را می‌توان یکی از علل عدم وثوق شکل‌گیری الگوهای رفتاری مطلوب در بین گروه‌های ذی‌نفع در حاکمیت شرکتی دانست.

جدول ۹. آزمون تأثیر رفتار گروه‌های ذی‌نفع بر راهبردهای بهبود

مسیر مورد آزمون	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
ذی‌نفعان نهادی ← یکپارچه‌سازی منافع	۰/۳۲۳	۳/۹۳۹	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان نهادی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۱۲۰	۱/۱۹۲	۰/۲۳۳
ذی‌نفعان نهادی ← پایش ارزش	۰/۲۱۹	۲/۳۳۳	۰/۰۲۰
ذی‌نفعان نهادی ← نظارت	۰/۱۶۱	۱/۸۳۰	۰/۰۶۷
ذی‌نفعان اقتصادی ← یکپارچه‌سازی منافع	۰/۲۰۹	۲/۶۲۰	۰/۰۰۹
ذی‌نفعان اقتصادی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۱۶۳	۱/۹۳۵	۰/۰۵۳
ذی‌نفعان اقتصادی ← پایش ارزش	۰/۱۸۴	۲/۲۳۵	۰/۰۲۵
ذی‌نفعان اقتصادی ← نظارت	۰/۲۲۹	۲/۷۴۰	۰/۰۰۶
ذی‌نفعان دولتی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۲۲۵	۳/۷۳۷	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان دولتی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۲۷۳	۴/۲۵۵	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان دولتی ← پایش ارزش	-۰/۱۴۱	۲/۴۸۴	۰/۰۱۳
ذی‌نفعان دولتی ← نظارت	-۰/۲۰۹	۳/۲۱۸	۰/۰۰۱
ذی‌نفعان سیاسی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۳۲۵	۴/۷۱۵	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان سیاسی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۲۷۸	۳/۸۳۸	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان سیاسی ← پایش ارزش	-۰/۴۹۴	۷/۴۰۷	۰/۰۰۰
ذی‌نفعان سیاسی ← نظارت	-۰/۳۱۳	۴/۹۱۰	۰/۰۰۰
شبکه اجتماعی ← یکپارچه‌سازی منافع	۰/۲۴۰	۲/۷۰۴	۰/۰۰۷
شبکه اجتماعی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۲۰۰	۲/۲۹۳	۰/۰۲۲
شبکه اجتماعی ← پایش ارزش	۰/۳۱۰	۳/۸۳۵	۰/۰۰۰
شبکه اجتماعی ← نظارت	۰/۳۲۳	۳/۸۵۱	۰/۰۰۰
سهام‌داران ← یکپارچه‌سازی منافع	۰/۱۰۴	۱/۵۲۸	۰/۱۲۷
سهام‌داران ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۱۲۴	۱/۵۴۳	۰/۱۲۳
سهام‌داران ← پایش ارزش	۰/۲۵۴	۳/۳۵۹	۰/۰۰۱
سهام‌داران ← نظارت	۰/۲۶۱	۳/۴۹۲	۰/۰۰۰

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با توجه به نتایج جدول ۹ مشاهده می‌شود که سبک رفتار حاکم بر ذی‌نفعان نهادی، اثرهای مستقیم و معناداری بر یکپارچه‌سازی منافع گروه‌های ذی‌نفع و پایش ارزش در حاکمیت شرکتی داشته و تأثیر معناداری بر پاسخ‌گویی و شفافیت (p-value = ۰/۲۳۳) و نظارت (p-value = ۰/۰۶۷) نشان نداده است. الگوهای رفتاری ذی‌نفعان اقتصادی، اثرهای مستقیمی بر یکپارچه‌سازی منافع، پایش ارزش و نظارت داشته است؛ اما تأثیر معناداری بر پاسخ‌گویی و شفافیت (p-value = ۰/۰۵۳) نشان نمی‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ذی‌نفعان دولتی و سیاسی روی تمامی راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی، تأثیر معکوس و معناداری داشته‌اند، در حالی که شبکه اجتماعی، روی تمامی راهبردها تأثیر مستقیم و معنادار داشته است. همچنین، سبک رفتاری سهامداران نیز تأثیر مستقیم و معناداری بر پایش ارزش و نظارت نشان داده است، در حالی که روی یکپارچه‌سازی منافع (p-value = ۰/۱۲۷) و پاسخ‌گویی و شفافیت (p-value = ۰/۱۲۳) تأثیر معناداری نداشته است.

جدول ۱۰. آزمون تأثیر شرایط زمینه‌ای بر راهبردهای بهبود

مسیر مورد آزمون	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
پیچیدگی سازمانی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۱۱۳	۱/۵۴۸	۰/۱۲۲
پیچیدگی سازمانی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۰۱۴	۰/۱۶۶	۰/۸۶۸
پیچیدگی سازمانی ← پایش ارزش	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۹۸۵
پیچیدگی سازمانی ← نظارت	-۰/۰۳۹	۰/۴۵۴	۰/۶۵۰
فرهنگ ملی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۰۱۵	۰/۲۴۴	۰/۸۰۸
فرهنگ ملی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۰۵۸	۰/۸۸۱	۰/۳۷۸
فرهنگ ملی ← پایش ارزش	۰/۰۳۹	۰/۵۷۲	۰/۵۶۸
فرهنگ ملی ← نظارت	۰/۰۱۳	۰/۲۱۵	۰/۸۳۰
عدم اطمینان محیطی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۰۵۲	۰/۸۱۴	۰/۴۱۵
عدم اطمینان محیطی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۰۳۶	۰/۴۶۱	۰/۶۴۵
عدم اطمینان محیطی ← پایش ارزش	-۰/۱۰۴	۱/۵۰۲	۰/۱۳۳
عدم اطمینان محیطی ← نظارت	-۰/۱۱۴	۱/۶۴۴	۰/۱۰۰
سازوکارهای کنترلی ← یکپارچه‌سازی منافع	۰/۰۳۵	۰/۴۶۸	۰/۶۴۰
سازوکارهای کنترلی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۰۵۱	۰/۷۱۹	۰/۴۷۲
سازوکارهای کنترلی ← پایش ارزش	۰/۱۱۴	۱/۸۰۱	۰/۰۷۲
سازوکارهای کنترلی ← نظارت	۰/۰۱۹	۰/۲۷۰	۰/۷۸۷

با توجه به نتایج جدول ۱۰ مشاهده می‌شود که هیچ یک از شرایط زمینه‌ای شناسایی شده حاکمیت شرکتی، تأثیر معناداری بر راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی نشان نمی دهد. اگرچه عوامل پیچیدگی سازمانی و عدم اطمینان محیطی،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

روی راهبردهای بهبود تأثیر منفی ندارد؛ اما بزرگی این اثرها از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، باید توجه شود کـه در صورت تقویت اثر این عوامل، می‌توان پیامدهای منفی از پیچیدگی سازمانی و عدم اطمینـان محیطـی روی راهبردهـای بهبود را انتظار داشت، در حالی که تقویت اثر فرهنگ ملی و سازوکارهای کنترلی، می‌تواند نتایج مثبتی را در پیـاده‌سـازی راهبردهای بهبود به‌دنبال داشته باشد.

جدول ۱۱. آزمون تأثیر شرایط مداخله‌گر بر راهبردهای بهبود

مسیر مورد آزمون	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
رویکرد دولت ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۴۹۶	۵/۳۸۸	۰/۰۰۰
رویکرد دولت ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۳۲۱	۲/۸۱۳	۰/۰۰۵
رویکرد دولت ← پایش ارزش	-۰/۴۴۱	۴/۱۹۰	۰/۰۰۰
رویکرد دولت ← نظارت	-۰/۶۳۰	۶/۳۲۰	۰/۰۰۰
ائتلاف‌های سیاسی ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۱۹۲	۱/۹۲۵	۰/۰۵۴
ائتلاف‌های سیاسی ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۱۲۳	۱/۲۳۹	۰/۲۱۶
ائتلاف‌های سیاسی ← پایش ارزش	-۰/۲۷۵	۲/۶۰۱	۰/۰۰۹
ائتلاف‌های سیاسی ← نظارت	-۰/۱۸۸	۲/۱۸۹	۰/۰۲۹
نقش هیئت‌مدیره ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۰۸۵	۱/۰۱۵	۰/۳۱۰
نقش هیئت‌مدیره ← پاسخ‌گویی و شفافیت	-۰/۰۱۶	۰/۱۵۹	۰/۸۷۴
نقش هیئت‌مدیره ← پایش ارزش	-۰/۱۸۶	۲/۱۳۴	۰/۰۳۳
نقش هیئت‌مدیره ← نظارت	-۰/۱۰۸	۱/۲۴۲	۰/۲۱۴
جامعه ← یکپارچه‌سازی منافع	-۰/۰۲۴	۰/۲۸۱	۰/۷۷۹
جامعه ← پاسخ‌گویی و شفافیت	۰/۱۲۲	۱/۲۰۴	۰/۲۲۹
جامعه ← پایش ارزش	-۰/۰۷۲	۰/۷۷۴	۰/۴۳۹
جامعه ← نظارت	-۰/۱۲۲	۱/۳۶۱	۰/۱۷۴

با توجه به نتایج جدول ۱۱ مشاهده می‌شود که رویکرد دولت به‌عنوان یکی از ارکان مداخله‌گر در الگـوی حاکمیـت شرکتی نقش گروه‌های ذی‌نفع، تأثیر معکوس و معناداری روی تمامی راهبردهای بهبود حاکمیت شـرکتی داشـته اسـت. ائتلاف‌های سیاسی نیز به‌جز پاسخ‌گویی و شفافیت (p-value = ۰/۲۱۶) و یکپارچـه‌سـازی منـافع (p-value = ۰/۰۵۴)، روی راهبردهای دیگر بهبود حاکمیت شرکتی تأثیر معکوس و معناداری نشـان داده‌انـد. ایـن در حـالی اسـت کـه نقـش هیئت‌مدیره که به‌طور غالب، باید دارای تأثیر قابل توجهی در بهبود راهبردها باشد، بـه‌دلیـل تأثیرپـذیری از رویکردهـای دولت و ائتلاف‌های سیاسی تأثیر ضعیفی را نشان می‌دهد و این نتیجه نشان از تقلیل نقش راهبری و هدایت هیئت‌مدیره شرکت‌ها در سازمان تأمین اجتماعی، در پیشبرد اهداف راهبردی سازمان در راستای بهبود فرایند حاکمیـت شـرکتی دارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

همچنین، نتایج نشان می‌دهد که رویکرد جامعه نیز نقش قابل توجهی در پیاده‌سازی راهبردهای بهبود حاکمیت شرکتی نداشته است. این یافته دلالت بر این دارد که نقش مشارکتی افراد جامعه در ساختارمندی حاکمیت شرکتی و همچنین فرایندهای اجرایی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه کم‌رنگ بوده وتوجه کمی به این گروه از ذی‌نفعان در پیشبرد اهداف راهبردی شرکت شده است.

جدول ۱۲. آزمون تأثیر راهبردهای بهبود بر پیامدهای حاکمیت شرکتی

مسیر مورد آزمون	ضریب تأثیر	آماره آزمون t	معناداری
پاسخ‌گویی و شفافیت ← تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۰۷۸	۱/۰۲۸	۰/۳۰۴
پاسخ‌گویی و شفافیت ← نتایج	۰/۰۷۶	۱/۰۹۸	۰/۲۷۲
پاسخ‌گویی و شفافیت ← پایداری	۰/۰۲۱	۰/۲۲۵	۰/۸۲۲
پاسخ‌گویی و شفافیت ← خلق ارزش	۰/۱۹۰	۳/۱۶۰	۰/۰۰۲
پایش ارزش ← تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۲۲۶	۲/۹۸۸	۰/۰۰۳
پایش ارزش ← نتایج	۰/۳۱۳	۴/۴۲۰	۰/۰۰۰
پایش ارزش ← پایداری	۰/۱۶۹	۲/۲۵۷	۰/۰۲۴
پایش ارزش ← خلق ارزش	۰/۱۵۴	۲/۲۸۵	۰/۰۲۲
نظارت ← تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۲۱۴	۳/۰۸۳	۰/۰۰۲
نظارت ← نتایج	۰/۱۳۴	۲/۰۲۱	۰/۰۴۳
نظارت ← پایداری	۰/۰۱۴	۰/۱۶۴	۰/۸۷۰
نظارت ← خلق ارزش	۰/۲۵۹	۳/۸۲۱	۰/۰۰۰
یکپارچه‌سازی منافع ← تصمیم‌گیری عقلایی	۰/۰۵۲	۰/۷۳۰	۰/۴۶۶
یکپارچه‌سازی منافع ← نتایج	۰/۱۰۹	۱/۴۸۲	۰/۱۳۸
یکپارچه‌سازی منافع ← پایداری	۰/۲۰۰	۲/۵۷۷	۰/۰۱۰
یکپارچه‌سازی منافع ← خلق ارزش	۰/۱۵۲	۲/۴۰۰	۰/۰۱۶

با توجه به نتایج جدول ۱۲ مشاهده می‌شود که راهبرد پاسخ‌گویی و شفافیت از نظر مدیران، تنها می‌تواند به بهبود خلق ارزش در شرکت‌ها منجر شود و تأثیر معناداری روی پیامدهایی چون تصمیم‌گیری عقلایی (p-value = ۰/۳۰۴)، نتایج (p-value = ۰/۲۷۲) و پایداری (p-value = ۰/۸۲۲) نداشته است.

راهبرد پایش ارزش، به‌طور مستقیم روی تمامی پیامدهای تصمیم‌گیری عقلایی، نتایج، پایداری و خلق ارزش تأثیر مستقیم و معناداری دارد و نشان می‌دهد که این راهبرد می‌تواند یکی از راهبردهای قابل تأمل در بهبود شرایط حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه باشد. همچنین، راهبرد نظارت، بجز پایداری (p-value = ۰/۸۷۰) روی سایر پیامدهای حاکمیت شرکتی تأثیر مستقیم داشته است و می‌تواند به‌طور معناداری منجر به بهبود تصمیم‌گیری عقلایی،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتایج و خلق ارزش شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که راهبرد یکپارچه‌سازی منافع گروه‌های ذی‌نفع، تنها بر پایداری و خلق ارزش در شرکت‌ها تأثیر معناداری داشته است و تأثیر آن روی تصمیم‌گیری عقلایی (p-value = ۰/۴۶۶) و نتایج (p-value = ۰/۱۳۸) معنادار نبوده است. بنابراین، با توجه به میزان تأثیرگذاری راهبردها دراین مطالعه روی پیامدهای حاکمیت شرکتی می‌توان بزرگی تأثیر آن‌ها را به ترتیب: ۱. پایش ارزش؛ ۲. نظارت؛ ۳. یکپارچه‌سازی منافع و ۴. پاسخ‌گویی و شفافیت نام برد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به شناسایی الگوی حاکمیت شرکتی ذی‌نفعان درسازمان تأمین اجتماعی شرکت‌های وابسته با رویکرد رفتاری پرداخته شد. در این راستا با استفاده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده باخبرگان موضوعی بحث، و مبتنی بر نظریه زمینه‌بنیاد، در هریک از ۶ مقولهٔ اصلی الگو شامل: شرایط علّی، شاخص‌های رفتاری ذی‌نفعان(مقوله محوری)، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای بهبود و پیامدهای حاکمیت شرکتی، مقوله‌های فرعی و کدهای محوری شناسایی شدند. نتایج نشان داد که بر پایه نظرهای خبرگان، ذی‌نفعان اصلی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی عبارت‌اند از: سهام‌داران، ذی‌نفعان نهادی، دولت، ذی‌نفعان اقتصادی، ذی‌نفعان سیاسی و شبکه اجتماعی. در پاسخ به پرسش اول تحقیق و در راستای توسعهٔ نظریه فریمن (۱۹۸۴) در خصوص گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی، می‌توان این طور نتیجه گرفت که ذی‌نفعان اصلی و مستقیم شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی که به‌طور مستقیم از منابع و منافع آن بهره می‌برند، سهام‌داران، ذی‌نفعان نهادی و دولت هستند. ذی‌نفعان محیطی این شرکت‌ها نیز در قالب ذی‌نفعان سیاسی و شبکهٔ اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند. بنابراین، نیل به اهداف بلندمدت سازمانی با در نظر گرفتن منافع تمامی این گروه‌های ذی‌نفع و هم‌سوسازی منافع ذی‌نفعان صورت خواهد پذیرفت.

در گروه‌های ذی‌نفع حاکمیت شرکتی سازمان، عوامل روابط قدرت ـ سیاست، فرایند تصمیم‌گیری، چانه‌زنی سیاسی، حل تعارض، تعیین هدف‌ها، اعتمادسازی درهیئت‌مدیره، الگوی رفتاری مشترک این گروه‌های ذی‌نفع را تبیین می‌کنند که با مطالعات دیواندری (۱۴۰۰) در سه شاخص قدرت نفوذ، روابط هیئت‌مدیره، اعتماد و تصمیم‌گیری هم‌راستاست. برای سهام‌داران، اهداف افزایش ثروت و منافع فردی، ذی‌نفعان نهادی اهداف کاهش هزینهٔ نمایندگی و تقارن اطلاعاتی ویژگی‌های مهم رفتاری هستند که اهمیت نظریهٔ نمایندگی را برای افزایش کارایی در سازمان‌های وابسته به تأمین اجتماعی تبیین می‌کنند و با نگاه لارند و پولمن (۲۰۲۱) در بحث انتظارات ذی‌نفعان و عملکرد سازمان هم‌خوانی دارد. برای دولت اهداف برنامهٔ توسعه و سیاست‌گذاری کلان که ممکن است در تعارض به اهداف سهام‌داران تأمین اجتماعی باشند، کنش رفتاری دولت را تبیین می‌کند و گویای میزان مداخلات دولت در عملکرد شرکت‌های تأمین اجتماعی است که بخشی از پژوهش رهنورد و همکاران (۱۳۹۶) بوده است. ویژگی‌های رفتاری ذی‌نفعان اقتصادی، دستیابی به اهداف افزایش ثروت، رشد و رقابت‌پذیری و ویژگی‌های ذی‌نفعان سیاسی، دستیابی به اهداف ائتلافی، افزایش نفوذ و قدرت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سیاسی است. شبکه‌های اجتماعی نیز اهداف منافع عمومی، اعتمادسازی عمومی و مشتری‌مداری را به‌طور خاص دنبال می‌کنند که می‌تواند موجب حل تعارض منافع بین گروه‌های ذی‌نفع شود.

بنابراین، سیاست‌گذاری در حوزه حاکمیت شرکتی و هم‌سوسازی منافع ذی‌نفعان، باید در راستای کاهش تضاد منافع وحل تعارض از اهداف و عناصر اصلی الگوهای رفتاری ذی‌نفعان باشد. مطابق با نتایج به‌دست آمده از الگوی معادلات ساختاری روی مقوله‌های الگوی رفتاری گروه‌های ذی‌نفع، می‌توان این طور نتیجه گرفت که اگرچه عواملی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، قانونی و مدیریتی، سازوکارهای کنترلی، فرهنگ ملی، پیچیدگی سازمانی و عدم قطعیت محیطی نیز بر شکل‌گیری این الگوهای رفتاری مؤثرند؛ اما کنترل تضاد بین منافع ذی‌نفعان از طریق نظارت، پایش ارزش، یکپارچه‌سازی منافع، پاسخ‌گویی و شفافیت، می‌تواند بین گروه‌های ذی‌نفع هم‌سویی استراتژیک ایجاد کند و در نتیجه، پیامدهای مثبتی چون نتایج عملکردی، خلق ارزش، تصمیم‌گیری عقلایی و پایداری برای سازمان به دنبال داشته باشد. بنابراین، در راستای بهبود کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود که کاهش تضاد منافع خصوصی گروه‌های ذی‌نفع، بر پایهٔ نظارت بر عملکرد مدیران، پایش ارزش شرکت، یکپارچه‌سازی منافع ذی‌نفعان از طریق مشارکت و افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت مدیریت نسبت به تمامی گروه‌های ذی‌نفع مورد توجه مدیران قرار گیرد. مبنای تصمیم‌گیری‌ها، پایش ارزش در شرکت‌ها باشد و به عبارتی، تصمیم‌گیری عقلایی و مبتنی باشد بر فایده برای سهام‌داران سازمان تأمین اجتماعی که بیمه‌پردازان هستند.

منابع

بیگی، وحید؛ ابویی اردکان، محمد؛ مقیمی، سید محمد؛ نوبخت، محمدباقر (۱۴۰۲). طراحی مدل حکمرانی شرکت‌های دولتی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. *مدیریت دولتی*، ۱۵(۱)، ۱۲- ۴۰.

دیواندری، علی؛ هاشمی، محمدصادق؛ آقازاده، هاشم و حسینی، سیدمحمود (۱۴۰۰). شناسایی فرایندهای هیئت‌مدیره با رویکرد رفتاری به حاکمیت شرکتی بر اساس روش فراترکیب. *مدیریت بازرگانی*، ۱۳(۱)، ۸۸- ۱۱۳.

ره نورد، راضیه؛ محسنی، عبدالرضا؛ لک، فضل‌الله (۱۳۹۶). رابطه بین ارتباطات سیاسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی*، شیراز.

سید علی‌پور قرانی، سیده شیوا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر توزیع سود سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۳(۸)، ۱-۱۴.

شمسایی، کامران؛ امین پناه، چیا (۱۳۹۷). مقایسه تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت قبل از ابلاغ دستورالعمل کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی*، مشهد.

مهاجرانی، امیرعلی؛ مشایخی، علینقی؛ طالبیان، مسعود (۱۳۹۸). حکمرانی شرکتی در ایران: پژوهش موردی شرکت‌های دولتی. *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، ۱۴(۵۳)، ۱-۳۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

میرباقری، سیدمحسن؛ جلیلی، سید مصطفی (۱۴۰۲). روندنگاری تحقیقات در حوزه حکمرانی مشارکتی: ترسیم نقشه هم زمانی و هم‌رخدادی واژگان. *مدیریت دولتی*، ۱۵(۴)، ۷۸۲- ۸۰۶.

وارث، حامد؛ صلواتی‌زاده، علی؛ بناءزاده، محمدجواد (۱۴۰۱). بررسی تجربی تأثیر حاکمیت شرکتی در کارایی تخصیص سرمایه شرکت‌های عمومی. *مدیریت دولتی*، ۱۴(۴)، ۵۰۹- ۵۳۰.

یاوریان، احمد؛ طوطیان اصفهانی، صدیقه؛ میرسپاسی، ناصر؛ معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی ارتقای رفاه عمومی با رویکرد حکمرانی خوب. *مدیریت دولتی*، ۱۴(۲)، ۲۸۳- ۳۱۲.

References

Aguilera, R. V., Filatotchev, I., Gospel, H. & Jackson, G. (2008). An organizational approach to comparative corporate governance: Costs, contingencies, and complementarities. *Organization science*, *19*(3), 475-492.

Baugh, A. (2015). *Stakeholder Engagement: The Game Changer for Program Management. Boca Raton*. Taylor & Francis Group. 201 p. ISBN 978-1-4822-3068-0

Beygi, V., Abooyee Ardakan, M., Moghimi, S. M. & Nobakht**,** M. B. (2023). Designing a Governance Model for State-owned Enterprises under General Policies of Resistance Economy. *Journal of Public Administration*, 15(1), 12-40. (*in Persian*)

Blok, V., Hoffmans, L., Wubben, E.F.M. (2015). Stakeholder engagement for responsible innovation in the private sector: Critical issues and management practices. *Journal on Chain and Network Science*, 15(2), 147–164.

Cordeiro, J. J., Tewari, M. (2015). Firm characteristics, industry context, and investor reactions to environmental CSR: a stakeholder theory approach. *Journal of Business Ethics*, 130, 833-849.

Crane, A. & Ruebottom, T. (2011). Stakeholder Theory and Social Identity Rethinking Stakeholder Identification. *Journal of Business Ethics*, 102, 77–87.

Dickinson-Delaporte, S., Beverland, M. & Lindgreen, A. (2010). Building Corporate Reputation with Stakeholders. *European Journal of Marketing*, 44 (11/12), 1856–1874.

Divandarri, A., Hashemi, M. S., Aghazadeh, H. & Hosseini, S. M. (2021). Identifying Board Processes through Behavioral Perspective toward Corporate Governance using Meta-Synthesis Approach. *Journal of Business Management*, *13*(1), 88-113. doi: 10.22059/jibm.2019.276543.3441 (*in Persian*)

Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American Economic Review*, 96 (1), 369-386.

Ferenca, P., Varmusa, M. & Vodáka, J. (2017). Stakeholders in the various field and relations between them. *International scientific conference on sustainable, modern and safe transport*, 1-21.

Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: a stakeholder approach*, *Pitman*. Boston, MA, 521151740.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Freeman, R.E. (2004). The Stakeholder Approach Revisited. *Zeitschrift. für Wirtschafts-und Unternehmensethik, 5*, 228-241.

Friess, J. C. (2022). ESG's Democratic Deficit: Why Corporate Governance Cannot Protect Stakeholders. *Virginia Law & Business Review*,17, 245.

Gil-Lafuente, A. M. & Paula, L. B. (2013). Algorithm applied in the identification of stakeholders. *Kybernetes*, 42 (5), 674–685.

Halpin, D. R. & Fraussen, B. (2019). Laying the groundwork: Linking internal agenda-setting processes of interest groups to their role in policy making. *Administration & Society*, 51(8), 1337-1359.

Hart, O. D. & Zingales, L. (2022). *The new corporate governance (No. w29975)*. National Bureau of Economic Research.

Hopt, K. J. (2024). Groups of Companies-A Comparative Study on the Economics, Law and Regulation of Corporate Groups. *European Corporate Governance Institute - Law Working Paper No. 752/2024*

Isabirye, J. (2021). The Behavioral Theory of the Firm: Foundations, Tenets and Relevance. Annals of Spiru Haret University. *Economic Series*, 21(4), 497-513.

Karpoff, J. M. (2021). On a stakeholder model of corporate governance. *Financial Management*, 50(2), 321-343.

Kastiel, K. & Nili, Y. (2021). The corporate governance gap. *The Yale Law Journal*, 131, 782.

Kluver, H. (2020). Setting the party agenda: interest groups, voters and issue attention. *British Journal of Political Science*, 50(3), 979–1000

Kyere, M. & Ausloos, M. (2021). Corporate governance and firms financial performance in the United Kingdom. *International Journal of Finance & Economics*, 26(2), 1871-1885.

Lee, K. K. & Levine, C. B. (2020). Audit partner identification and audit quality. *Review of Accounting Studies*, 25(2), 778-809.

Lewellen, J. & Lewellen, K. (2022). Institutional investors and corporate governance: The incentive to be engaged. *The Journal of Finance*, 77(1), 213-264.

Limantara, C. Y., Murhadi, W. R. & Wijaya, L. I. (2020). The Effect of Good Corporate Governance Towards Idiosyncratic Risk. *Manajemen dan Bisnis*, 19(2).

Lund, D. S. & Pollman, E. (2021). The corporate governance machine. *Columbia Law Review*, 121, 2563.

Mirbagheri, S. M. & Jalili, S. M. (2023). Research Trends in the Field of Participatory Governance: Drawing a Map of Co-occurrence and Co-word Analysis. *Journal of Public Administration*, *15*(4), 782-806. doi: 10.22059/jipa.2023.363440.3369 (*in Persian*)

Mohajerani, A. A., Mashayekhi, A. & Talebian, M. (2019). Corporate governance in Iran: the case of state-owned enterprises. *Iranian Journal of Management Sciences*, *14*(53), 1-35. (*in Persian*)

Naciti, V., Cesaroni, F. & Pulejo, L. (2022). Corporate governance and sustainability: A review of the existing literature. *Journal of Management and Governance*, 1-20.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Pastra, A., Koufopoulos, D. N., Skintzi, V., Johansson, T., & Samac, N. (2021). Exploring trust in the boardroom: The case of Nordic region. *Team Performance Management: An International Journal*, *27*(3/4), 278-293.

Platonova, E., Asutay, M., Dixon, R., Mohammad, S. (2016). The impact of corporate social responsibility disclosure on financial performance: evidence from the GCC Islamic banking sector. *Journal of business ethics*, *151*, 451-471. https://doi.org/10.1007/s10551-016-3229-0.

Qureshi, H. M., Malik, R. H., Qureshi, W. (2017). Role of Stakeholders in Requirement Change Management. *International Journal of Computer Science and Information Security* (IJCSIS), 15(2).

Rahnavard, R., Mohseni, A. & Lak, F. (2017). The relationship between political connections and the performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *National Conference of World Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences*, Shiraz. (*in Persian*)

Seyed Alipour Qorani, S.Sh. (2019). Investigating the effect of corporate governance on dividend distribution in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of new research approaches in management and accounting*, 3(8), 1-14. (*in Persian*)

Shamsai, K., Aminpanah, Ch. (2018). Comparing the impact of corporate governance on company performance before the announcement of the audit committee guidelines in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *The First National Conference on Management and Economics with a Resistance Economy Approach*, Mashhad. (*in Persian*)

Syafaat, A. K. S. A. & Hamoode, Q. A. K. (2023). Implementation of Shariah Hospital Management Fatwa and Good Corporate Governance Principles: Another Fact from Shariah Hospital. *Jurnal Hukum Islam*, 21(2), 415-442.

Tarkom, A. (2019). *Political Connectedness, Firm Performance and Corporate Risk Taking: Are Emerging Markets Different*? South Dakota State University.

Theodoulidis, B., Diaz, D., Crotto, F. & Rancati, E. (2017). Exploring corporate social responsibility and financial performance through stakeholder theory in the tourism industries. *Tourism Management*, 62, 173–188.

Vares, H., Salavatizadeh, A. & Bannazadeh, M. J. (2022). Investigating the Impact of Corporate Governance on the Capital Allocation Efficiency. *Journal of Public Administration*, *14*(4), 509-530. doi: 10.22059/jipa.2022.346457.3188 (*in Persian*)

Viveros, H. (2017). Unpacking stakeholder mechanisms to influence corporate social responsibility in the mining sector. *Resources Policy*, 51, 1–12.

Wang, Q., Dou, J., Jia, S. (2016). A meta-analytic review of corporate social responsibility and corporate financial performance: the moderating effect of contextual factors. *Business & society*, *55*(8), 1083-1121.

Yavarian, A., Tootian Esfahani, S., Mirsepasi, N. & Memarzadeh Tehran, G. (2022). Designing a Model for Promoting Public Welfare Based on Good Governance. *Journal of Public Administration*, *14*(2), 283-312. doi: 10.22059/jipa.2022.340415.3126 (*in Persian*)

Archive of SID.ir